

مذاکرات برای تحویل هواپیماهای نظامی ساخت آلمان فدرال به رژیم خمینی

اکبریت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۲ دی ۱۳۶۵ برابر ۱۲ ژانویه ۱۹۸۷
بها ۶۰ ریال - سال سوم - شماره ۱۴۰

۱۲ هواپیما به رژیم خمینی بوده است. تاریخ شروع مذاکرات ام. ب. با جمهوری اسلامی مصادف با آغاز تاسهای پنهانی رژیم فقها و دولت ریگان است. به گزارش تلویزیون ای بی سی، محمد هاشمی دلال اسلحه ایرانی مقیم لندن، نقش واسطه را بقیه در صفحه ۲

آلمان فدرال، و جمهوری اسلامی برای فروش ۱۲ هواپیمای بزرگ حمل و نقل نظامی از نوع "ترانسال-سی ۱۶۰" ادامه داشته است. یک سخنگوی شرکت ام. ب. ب. گزارش ای بی سی را تایید کرد و افزود دولت بن مشوق این شرکت در ارائه پیشنهاد فروش

دو ماه پس از فاش شدن معاملات تسلیحاتی دولت ریگان و رژیم خمینی، شبکه تلویزیونی ای بی سی آمریکا گزارش داد از یک سال و نیم پیش بدین سو مذاکرات پنهانی میان شرکت هواپیماسازی "سر اشمیت - بولکو-بلوم" (ام. ب. ب.)، از بزرگترین انحصارات تسلیحاتی

کربلای ۵ تعداد کشته‌های کربلای ۴ را مضاعف کرد

* ناظرین نظامی: در کربلای ۴، ایران ۲۵۰۰۰ کشته داده است
* همه شهرها و روستاهای ایران هزاد ارنند



جنگ تمام عیار باید هر حمله اش چند ده هزار کشته دهد، از همین رو جمهوری اسلامی مصر است در جایی دست به حمله زند که عراق قوی ترین استحکامات دفاعی را دارد. بصره چنین نقطه ای است. کربلای ۴ بر روی ام الرصاص متمرکز بود و کربلای ۵ بر روی دریاچه مصنوعی "ماهی" در محور شلمچه و هر دو ناظر بر بصره اند. شلمچه در ۲۲ مایلی جنوب شرقی بصره است. جمهوری اسلامی مدعی است در این منطقه ۴ کیلومتر پیشروی داشته است. کهریم که چنین ادعایی درست باشد، به چه بهایی پیشروی کردند؟ هر متر دست کم ۵ کشته. پیشروی در رودخانه و دریاچه و لجنزار، زیر آتش مداوم، از زمین و هوا. برای حفظ هر متر از طول مسیر پیشروی شده، هر روز باید ۵ کشته دیگر هم داد. این سفاقت است یا جنایت؟ جنایت بقیه در صفحه ۹

که در عملیات کربلای ۴، ۲۲۰۰۰ ایرانی را کشته است. ناظران نظامی غربی بر روی ۲۵۰۰۰ کشته متفق القولند. ۲۵۰۰۰ کشته برای جمهوری اسلامی کافی نبود. دفتر عملیات کربلای ۴ که بسته شد، جبهه کربلای ۵ گشوده شد. در ساعت ابامداد روز جمعه ۱۹ دی جمهوری اسلامی دست به حمله تازه ای زد که بر آن کربلای ۵ نام نهاد. هدف این بود که شکست کربلای ۴ در گرد و خاک تبلیغاتی محو گردد. اما کربلای ۵ نیز حاصلی جز کربلای ۴ به بار نیاورد. حمله جدید در محور شلمچه صورت گرفت. جمهوری اسلامی چشم به بصره دوخته است. ۹ ماه تبلیغ مداوم بر روی جنگ تمام عیار و بسیج همه امکانات در این راستا به زعم رهبران جمهوری اسلامی باید به یک پیروزی پرسر و صدامنجر گردد. فتح بصره.

به شهر کوچکی در استان کیلان تلفن می‌زنیم: "تازه چه خبر؟ - جنگ! - کشته زیاد است؟ و حشمتاک! دیروز تنها در یک ده کوچک چهار جنازه آوردند. قرار است، فردا چهارتای دیگر هم بیاورند. همه جا وضع این طور است." آری همه جا وضع بدین گونه است. همه جا عزادار کشته است. جنازه‌ها را به تدریج تحویل می‌دهند. از انعکاس یکباره چنایتکاری‌های تازه شان می‌ترسند. بعلاوه امکانات حمل و نقل محدود است. آنها را بیشتر به انتقال زنده‌ها برای ریختن در دمان گشاده مرگ اختصاص می‌دهند. حمل هزاران کشته و مجروح کار ساده ای نیست. امامه فهمیده‌اند که چه پیش آمده است. آنها بی‌ای که کشان کشان بردند، زنده باز نخواهند گرداند. عراق اعلام کرده است

حمایت از زندانیان سیاسی يك وظیفه مبرم

ملاقات در بعضی از زندان‌های کشور و از جمله در زندان گوهردشت را لغو کرد. زندانبانان در برابر اعتراض خانواده‌ها بهانه می‌آوردند که تلفن‌های اطاق ملاقات ده شده است. ممنوعیت ملاقات ده روز به طول انجامید. در طی این مدت فقط خانواده‌هایی که از شهرستان‌ها آمده بودند و طبعاً از اعتصاب غذا در اوین خبری نداشتند اجازه می‌یافتند که از "ساختمان اول" با فرزندان نشان صحبت کنند. در برخی از بندهای دیگر بقیه در صفحه ۲

زندان‌ها که تلاش داشت رسوایی حکومتیان را پرده‌پوشی کند خود گواه پیروزی نیروهای انقلاب در این عرصه نبوده بود. بررسی روند پیشرفت این مبارزات بسیار آموزنده است. در ادامه انتشار اخبار این اعتصاب دلاوران، بروید ادها و اخبار منتشر نشده و مبارزات موثر در کسب این پیروزی نظری بیافکنیم: به دنبال آغاز اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در بند ۲ زندان اوین و اطلاع خانواده‌های زندانیان از آن، رژیم به خاطر وحشت از گسترش این حرکت،

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در شکنجه‌گاه‌های رژیم خمینی بار دیگر توجه جهانیان را به آنچه که در زندان‌های حکومت ولایت قبیله می‌گذرد جلب نمود. رژیم که همزمان با اعمال ددمنشانه‌ترین شکنجه‌ها و تحمیل غیر انسانی‌ترین شرایط بر زندانیان سیاسی تلاش می‌کند چهره بزرگ کرده‌ای از خود ارائه دهد، بار دیگر با اعتصاب غذای دلاوران زندانیان و افشاکری‌های انجام یافته، پنجه خونی‌ش آنچنان که هست به نمایش گذاشته شد. مصاحبه مطبوعاتی مجید انصاری، مسئول

در این شماره

- مسعود، فرو افتادی آنکه سرفروغ آورد
در صفحه ۲
- در مرکز تضادهای زرف
در صفحه ۱۳
- جنگ تمام عیار
در صفحه ۹
- «حفظ وضعیت موجود»
محور اصلی بودجه سال ۶۶
در صفحه ۷
- شیروی گه در نقش می‌پرشت
شعری از ناظم حکمت
در صفحه ۲

حمایت از زندانیان سیاسی يك وظیفه مبرم

بقیه از صفحه اول

می دادند. در تجمع دو روز بعد از این تاریخ در جلو مجلس نیز خانواده ها مدام شعار "مرگ بر آمریکا" می دادند و به مردم می گفتند: "ما خانواده های زندانیان سیاسی هستیم."

به دنبال مبارزات پی گیر خانواده ها و زحمات تقریباً هر روزه آنان در مقابل زندان های اوین و کوهردشت، در هفته اول آذرماه به زندانیان زندان کوهردشت ملاقات داده شد. خانواده های زندانیان اوین در روز ۲۲ آذر در حالی که از ۶ صبح در جلوی زندان ازدحام کرده بودند، ساعت ۲ بعد از ظهر موفق به ملاقات عزیزان زندانی خود شدند.

پس از پایان اعتصاب غذا دژخیمان بطرق مختلف کوشیدند از فرزندان اسیر خلق انتقام بگیرند. ما قبلاً مواردی از آن را درج کردیم. از موارد دیگری که گزارش شده است، اینست که پس از اعتصاب زنان زندانی را از اطاقها و سلولها بیرون آورده و مجبور ساختند در حیاط زندان زیر باران شدید گرد آیند. پس از آن زندانبانان به اطاقها ریخته و به بازرسی وسایل مختصر زندانیان پرداختند. در نتیجه این بازرسی بسیاری از وسایل شخصی زندانیان بهیغما برده شد. زندانبانان حتی وسایل دوخت و دوز زندانیان را باخود بردند. آنها همچنین زندانیان مرد را داشتند به مدت شش ساعت در هوای سرد آذرماه اوین، در حیاط سرپا بمانند. اطاقهای زندانیان مرد نیز به بهانه بازرسی زیر و رو و تاراج گردید.

اعتصاب دلاورانه زندانیان سیاسی بازتاب نیرومندی در میان مردم در سطح کشور داشت. حرکات خانواده های زندانیان سیاسی و اقدامات تبلیغی سازمان های سیاسی از موثرترین عوامل آن بود. در تهران تنها یک واحد از سازمان ما، در همان زمانیکه اعتصاب در اوین جریان داشت، دو اعلامیه با عناوین "جان زندانیان سیاسی یثدت در خطر است" و "برای نجات جان زندانیان سیاسی بیاخیزید!" تهیه و در سطح شهر وسیعاً پخش نمود.

* * *

در خارج از کشور اگر چه کوشش هایی در جهت پشتیبانی از اعتصاب زندانیان سیاسی صورت گرفته است اما اقدامات انجام شده

زندان اوین که از خبر اعتصاب غذا مطلع گشته بودند تشدید فشار آغاز گشت تا دیگر زندانیان از پشتیبانی زندانیان اعتصابی بازداشته شوند. سهمیه نان بنده ۵ اوین را که زندانیان مرد منتقل شده از قزل حصار را در آن جای داده بودند به نصف تقلیل دادند و بهانه آوردند که شامان خود را در اختیار زندانیان بندهای اعتصابی قرار می دهیم!

همانگونه که در شماره گذشته گزارش شد خانواده های زندانیان سیاسی اقدامات اعتراضی و افشاگرانه گسترده ای را به انجام رساندند. گروه کثیری از مادران و دیگر افراد خانواده زندانیان سیاسی، متحداً با مراجع به مقامات رژیم و دفتر صلیب سرخ بین المللی خواسته های فرزندان خویش را پی گرفتند. ازدحام شش ساعته خانواده های زندانیان در مقابل مجلس رژیم در زیر باران که با توضیح وقایع و تشریح وضعیت زندانیان برای مردم همراه بود از موارد موثر این اقدامات بود. در روز ۲۷ آبان خانواده های زندانیان سیاسی به وسیله ۴ اتوبوس به قم رفتند و خواستار بهبود وضعیت زندان و آزادی زندانیان سیاسی شدند. در این اجتماع مادران زندانیان، نماینده منتظری را که همچون همیشه می کوشید با وعده رسیدگی، خانواده ها را پراکنده سازد به باد ناسزا گرفتند. پاسداری که گفته بود: "سره های شما پدر ما را درآوردند، مامم پدرشان را در می آوریم." با هجوم مادران متواری گردید. در جلوی خانه منتظری یکی از مادران بخاطر وضعیت فرزند زندانی اش در حالیکه فریاد می کشید، بقدری بر سرو روی خود کوفت که بیهوش بر زمین افتاد. دیگر مادران یک صدا شعار "مرگ بر آمریکا" سر

دیدار رفیق مهدی فتاپور

بامسئول شعبه روابط بین المللی حزب کمونیست آلمان

صدور اسلحه به ایران باید متوقف شود

جنگ بی رحمانه و خونین وی علیه مردم ایران به عمل آوردند... فتاپور خواهان گسترش همبستگی با دموکراتهای ایرانی و ایجاد جنبش گسترده برای پایان بخشیدن به صدور اسلحه به ایران در کشورهایی گردید که به ایران اسلحه تحویل می دهند.

پس از افشای مذاکرات پنهانی شرکت هواپیماسازی ام.ب.ب با جمهوری اسلامی برای تحویل ۱۲ هواپیمای نظامی، علاوه بر حزب کمونیست آلمان، حزب سوسیال دموکرات و سیزها نیز این مذاکرات را محکوم کردند.

رفیق مهدی فتاپور عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) با رفیق دیرک کروگر، مسئول شعبه روابط بین المللی حزب کمونیست آلمان دیدار و گفتگو کرد. روزنامه عصر ما ارکان حزب کمونیست آلمان ضمن درج خبر این دیدار رفیقانه می نویسد: "فتاپور در رابطه با معاملات شوم و پنهانی رژیم خمینی با دولت ریکان اظهار داشت هر ژواری ایران بطور آشکار آماده است با نیروهایی به سازش برسد که حمایت تعیین کننده ای از شاه در

مذاکرات برای تحویل هواپیماهای نظامی ساخت

آلمان فدرال به رژیم خمینی

بقیه از صفحه اول

سیاست درستی است، و افزود اینکه کنفرانس وزیر خارجه آلمان فدرال در بر خورده با جمهوری اسلامی در مقایسه با مذاکرات آلمان فدرال و عربستان سعودی نیز گشاده روتر است، از نظر این شرکت عملکرد صحیحی است.

محمد هاشمی واسطه معامله تسلیحاتی ایران و آلمان فدرال در مصاحبه با ای بی سی اظهار داشت هیاتی از شرکت ام.ب.ب در سال ۱۹۸۶ به تهران رفت و در آنجا به مذاکره با مقامات ایرانی پرداخت. هواپیمای ترانسال محصول مشترک آلمان فدرال و فرانسه است. این هواپیما برای حمل نفرات، مهمات و خودروهای نظامی ساخته شده و می تواند از فرودگاههای اضطراری و موقتی نیز استفاده کند. این هواپیمای دو موتوره قادر به حمل ۹۰ سرباز با تجهیزات کامل و یا خودروهای زره پوش با وزن مجموعاً ۱۷ تن است. برد هواپیما به ۵ هزار کیلومتر می رسد.

در مذاکرات ام.ب.ب و جمهوری اسلامی ایفا کرده است و طرفین با پرداخت ۴۸ میلیون دلار به عنوان کمیسیون به وی موافقت نموده اند. شبکه تلویزیونی ای.بی.سی اعلام کرد، فتوکپی نامه های شرکت ام.ب.ب به رفسنجانی و محمد هاشمی واسطه فروش سلاحها را در اختیار دارد.

معاون رئیس هیئت مدیره شرکت "سراسمیت-بولکوبلوم" در یک مصاحبه گفت از ۱۸ ماه پیش بدین سو این شرکت با دولت بن و تهران در مورد تحویل هواپیماها به ایران در مذاکره است. وی گفت: "بن، روشن و صریح گفت که هیچ مخالفتی با تحویل هواپیماها ندارد، اما مدعی شد که شرکت مزبور و دولت آلمان فدرال می خواهند هواپیماها را پس از پایان جنگ به رژیم خمینی بدهند! سخنگوی این شرکت سوداگر مرگ گفت ادامه و حفظ تماسها با تهران

جرج شولتز خواهان بهبود روابط با رژیم خمینی شد

هنگام برکناری پوپ دگستر مشاور امنیت ملی پیشین ریکان، شولتز بدستور رئیس جمهور آمریکا مسکو جهت کامل تنظیم سیاست واشنگتن در قبال ایران را برعهده گرفت. سخنان اخیر شولتز را باید شرح رؤس سیاست آمریکا در رابطه با رژیم خمینی دانست. این سیاست پس از افشاح "ایران گیت" نیز تغییر یافته است.

وی تاکید کرد ایالات متحده آمریکا "انقلاب اسلامی" را به عنوان واقعیت پذیرفته است. مطبوعات آمریکا با افشای بندوبست های پنهانی کاخ سفید و جماران ادعای کردند جرج شولتز از مخالفان این روابط پنهانی بوده است. اظهارات اخیر شولتز بی اساس بودن این ادعا را نشان می دهد، از

جرج شولتز وزیر خارجه آمریکا گفت ایالات متحده در راه بهبود روابط با ایران خواهد کوشید. وی افزود: "دولت تهران به اندازه کافی دلیل دارد که به دنبال دوست بگردد، از جمله ایران مرزی طولانی با اتحاد شوروی و مسئله افغانستان را در پشت درخانه خود دارد." شولتز ایران را "قطعه ای حساس در جغرافیا خواند."

مسعود، فرو افتاد بی آنکه سرفروود آورد



در فردایی دیگر بعنوان انسانی مسئول و دانا، به مردمی که رنج و مشقت سالهای سال حاکمیت سرمایه و استثمار و عقب ماندگی را به دوش می کشند خدمتگزار باشی. این حقیقت را باید باور کنیم که زندگی بدون عشق و رزیدن به مردم، بدون تلاش در راه آرمانهای شریف انسانی یعنی نبرد در راه ترقی اجتماعی، برای سعادت و بهروزی توده ها، هیچ معنا و مفهومی ندارد و در این راه ما باید پیشگام مبارزه در راه آزادی خلق باشیم... باشد که در فردایی دیگر در کنار هم به خدمتگذاری خلق بپردازیم.

حال که این نامه را برای می نویسم به یاد دورانی که در کنار دوستان با هم بودیم می افتم، خاطرات شیرین گذشته و جوانی چه دل انگیز است. اینک مدت ها است که از زادگاه خود دوریم. زادگاهی که هر کوجه باران زده اش بر ایمان یادآور خاطره ای است. خاطره یارانی که دوستان داریم و دل ما از دوری آنان به خود فشرده است. ساحل خزر، نشستن به قایق و به دریا زدن، در کنار کومه ساحلی... به زیر سایه نشستن...

"... ابوالقاسم لاهوتی افسر شریف و انقلابی که رهبری قیام آذربایجان را برعهده داشت پس از شکست قیام مجبور به مهاجرت گردید... (لاهوئی) از خود شعرهای زیادی برجای گذاشته است که سرشار از عشق به مردم و وطن بود. شعرهایی که فقط می تواند از آتشکده مقدس قلب یک انسان شریف زبانه کشد... اگر وطن چمدان پول نباشد، وطن و خاکش زادگاه هزاران زحمتکش محروم باشد، وطنی که در بند اسارت برای لحظات آزادی تب داغی به تن می گیرد، وطنی که می خواهد تاریخ و

دشمن، مسعود ناصر حجتی، فدایی فداکار و دلور را از میان ما ربود. دشمن کینه چسب و ضد بشر در هراس از نبرد پر شکوه رزمندگان فدایی، تمام سببیت و آموخته هایش را بکار بسته است تا رزم این فرزندان قهرمان خلق را سدی شود، تا بر پیکر سازمان ما شمشیر کشد و این گردان رزمنده پرولتاریا را از حرکت باز دارد. با این خیال عبث، دشمن تنها در تابستان امسال بیش از هزار فدایی خلق را به زنجیر کشید. در هراس از خروش خشم مردم، آنان را مخفیانه و با استفاده از تاکتیک "سرکوب در تاریکی" ربود. پیکرشان را آماج سهمگین ترین شکنجه ها ساخت. عوامل خمینی با شکنجه به بند کشیده شدگان می کوشند به اطلاعاتی دست یابند تا به کمک آن مبارزه بلاوقفه تشکیلات سراسری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را مختل نمایند. اما رژیم خمینی در گریز از مرگ محقوم همانقدر توفیق یافته است که رژیم شاه. هشیاری، خلق و پایداری استوار فداییان خلق و پایداری اسیران باز هم شکست را نصیب این شکست خورده گان تاریخی می کند. رفیق مسعود ناصر حجتی از زمره دلاورانی بود که شکنجه گرش را ندان داد "مقاومت می کنم تا مرگ را از آن تو کرده باشم".

ما در شماره گذشته گوشه هایی از زندگی مسعود را درج کردیم. در این شماره برای شناساندن این گرد مبارز بخش هایی از دو نامه او را که به یکی از دوستانش در خارج از کشور نوشته است منتشر می سازیم:

"... این آرزوی من است که تو

در قیاس با امکانات موجود بسیار ناچیز است. در حالیکه در اعتصاب غذای زندانیان سیاسی، زندانیانی با عقاید و وابستگی های سازمانی متفاوتی شرکت داشتند، در حالیکه خانواده های زندانیان بی توجه به اینکه فرزندان شان به کدام سازمانی وابسته بوده اند متحد عمل کرده اند، در خارج از کشور تنگ نظری گروهی و انحرافات شدید سکتاریستی و تسلیم طلبی در برابر تحریکات تفرقه افکنانه راه هرگونه اقدام متحدی را تا به امروز سد کرده است. رهبری بسیاری از سازمانهای سیاسی در خارج از کشور قبل از اینکه در فکر وظایف خود و انجام اقدامات موثر در پشتیبانی از همزمان شان در زندانهای کشور باشند، نگران این بوده اند که مبادا ضروریات پدید آمده برای مبارزه، مشترک، بر افتراقات موجود چیره شود و مسئله اتحاد عمل در دستور قرار گیرد.

برغم وضعیت تلخ موجود در خارج از کشور، فدائیان خلق در کشورهای مختلف با احساسیت انقلابی ویژه ای وظایف خود را دریافته اند و به اشکال مختلف کوشیده اند افکار عمومی جهان را در حمایت از زندانیان سیاسی ایران بسیج کنند، اعتصاب غذا در سوئد، دانمارک، آمریکا و اتریش از جمله آنها بود که با نقش فعال فدائیان خلق صورت گرفت. فدائیان خلق چه پیش از اعتصاب زندانیان اوین و چه در جریان این اعتصاب اعلام داشتند که برای عمل مشترک با همه نیروهای مبارز در پشتیبانی از زندانیان سیاسی آماده اند. رهبران و مسئولین سازمانهایی که اینگونه پیشنهادها را مسأله را بی پاسخ می گذارند، موظف هستند پاسخ دهند که از چه رو مبارزه مشترک زندانیان سیاسی از گروهها و سازمانهای مختلف ممکن است، اما مبارزه مشترک اعضا و هواداران همان گروهها و سازمانها در پشتیبانی از همین زندانیان سیاسی در خارج از کشور ممکن نیست؟ باید پاسخ دهند آیا کار مشترک زندانیان سیاسی کشور اصولی و انقلابی است و یاسماجت در تفرقه انگیزی در خارج از کشور!

ما همانگونه که در اکثریت شماره ۱۲۷ نوشته ایم بر این باور هستیم که اتحاد عمل "نخستین درس مبارزه کسانی است که غل و زنجیر بر دست و پای دارند اما دست اتحادیه یکدیگر داده اند." از آنها بیاموزیم و در راه اتحاد در مبارزه کام نهم!

شخصیت به استثمار کشیده شده اش را رها سازد،... معشوق همه عاشقان راه صلح و آزادی است. این وطن چقدر عزیز و دوست داشتنی است و دوری از آن برای هر انسان مبارز چقدر سخت و آزاردهنده است. بی شک قلب لاهوتی با آن همه شور نمی توانست غم جدایی میهن را تحمل کند که آنچنان با سوز و گداز برای مردم محرومش شعر می سرود... می دانم که برای تو هم دوری از میهن سخت است به ویژه که در اوج جوانی خود به سر میبری، دوره ای که رویاها و آرزوهای بسیار زیبایی را در سر داشتی و هر گوشه از این آب و خاک و کوچه های شهرت برای تو خاطره ای بود... ما در انتظاریم که کشتی طوفان زده انقلاب... ساحل صلح و آزادی را در جستجو باز یابد و به دیدار باران ما... در ساحل امید نایل شویم. و این آرزوی شریف فرد فرد ماست." ❀

ناظم حکمت

شیری گه دو نفس می چرخد

پشت میله های آهنین	اما
شیری را که گرد خود می چرخد بنگر.	بر گردن ستبر یا لدارش
چشماش را بنگر	جای قلاده نخواهی دید...
که نفرت از آن سرریز است	پس پس می رود
و کینه جوی	به زانوان پرتوان حامل پنجه هایش می نگیرد
چون دوتیغ آخته ی پولادین.	با یال سیخ شده بر گردن مغرور
	تزدیک می شود
سنگین و پرابهت	دور می شود
تزدیک می شود	می آید می رود
دور می شود	می رود، می آید.
می آید، می رود	سایه ی برادرم بر دیوار زندان،
با آنکه برگردی زردش داغ تازه هاست	گاهی کوتاه می شود و گاهی بلند.

محدودیت های تازه برای

نبروهای مترقی ایرانی در آلمان فدرال

کیهان هرابی ۱۰ دیماه - در دیدار فراینتاگ سفیر جمهوری فدرال آلمان و بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین جمهوری اسلامی، راههای گسترش مبادلات اقتصادی جمهوری اسلامی و آلمان فدرال در زمینه صنایع کشتی سازی، واگن سازی، تولید موتورهای دیزلی و انواع ماشین آلات راهسازی بررسی شد. در این ملاقات طرفین همچنین اظهار امیدواری کردند همکاری های فنی - صنعتی میان دو کشور گسترش بیشتری یابد. این در حالی است که محمد جواد سالاری سفیر جمهوری اسلامی در آلمان فدرال، گفت در صورت محدودتر کردن فعالیت نبروهای مخالف رژیم خمینی در آلمان فدرال مناسبات در کشور گسترش بیشتری خواهد یافت، اعمال محدودیت های تازه برای ایرانیان مقیم آلمان مضمون اصلی مذاکرات سالاری با "مایر لندروت" معاون سیاسی وزارت امور خارجه آلمان فدرال بوده است.

روزنامه رسالت اول دیماه که خبر این دیدار را منتشر کرده است به نقل از معاون سیاسی وزارت امور خارجه آلمان فدرال اعلام کرد: "معاون سیاسی وزارت امور خارجه آلمان فدرال نیز در پاسخ ضمن درخواستی رسی از رفتار پلیس فرانکفورت (حادثه حمله به غرفه جمهوری اسلامی در نمایشگاه بین المللی کتاب) به سفیر ایران اطمینان داد که در آینده چنین حادثه ای رخ نخواهد داد. مقام آلمانی همچنین ملاقاتی دولت متبوعش را برای گسترش هر چه بیشتر روابط با جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد."

شرایط سیاسی

برای اجازه خروج دانشجویان

کیهان ۱۲ دیماه - ضوابط جدید برای صدور مجوز خروج از کشور و استفاده از حواله بلیط هواپیما برای دانشجویان ایرانی خارج از کشور از سوی معاونت دانشجویی وزارت فرهنگ و آموزش عالی جمهوری اسلامی ابلاغ شد. براساس این بخشنامه، آندسته از دانشجویان ایرانی خارج از کشور که بمنظور دیدار والدین خود به ایران سفر می کنند، بهنگام خروج با محدودیتهای جدیدی مواجه خواهند بود.

به نوشته روزنامه کیهان در بخشنامه مزبور جهت صدور اجازه خروج برای دانشجویان با مهر خروج دانشجویی ابتدا بر دارا بودن تابعیت ایران و تدین به اسلام یا یکی از ادیان رسمی کشور، اعتقاد به نظام جمهوری اسلامی و همکاری نداشتن با جناحهای ضد انقلاب و گروههای تروریستی و رعایت شئون اخلاق اسلامی در خارج از کشور تاکید کرده است. براساس بخشنامه جدید در عرصه حواله های بلیط رفت و برگشت هواپیما برای این دانشجویان نیز محدودیتهایی اعمال خواهد شد.

لایحه بیمه بیکاری حربه ای برای استخدام کارگران زن

زمان (۲ سال) به طول انجامد، در سال سوم به دو سوم حداقل دستمزد برای مجربین کاهش پیدا خواهد کرد. اما برای کارگران متاهل به نسبت هر یک از افراد تحت تکفل تا ۴ نفر ۲۰ درصد به حداقل دستمزد افزوده خواهد شد.

بر اساس مفاد مصوبه هیات وزیران، کارگران بیکار تنها با تاییدیه کارفرما و شورای اسلامی کار و همچنین تایید وزارت کار و امور اجتماعی می توانند حق بیکاری دریافت کنند. باید افزود کمالی در مصاحبه خود، بارها فاش ساخت که برخی از مسئولین مملکتی و نمایندگان مجلس با همین لایحه نیم بند بیمه بیکاری نیز ابراز مخالفت کرده اند.

از سوی دیگر رژیم جمهوری اسلامی با استفاده از بند "ه" ماده ۸ این لایحه قادر خواهد بود، کارگران بیکار شده را با "حداقل دستمزد" مجدداً بکار گیرد و در صورت امتناع کارگر از پذیرش این میزان حقوق، بلاواسطه مقرری ایام بیکاری وی قطع خواهد شد. در بند مذکور آمده است: "در موارد زیر مقرری ایام بیکاری قطع خواهد شد... هرگاه کارگر به نحوی از انحاء با دریافت مزد ایام بلا تکلیفی به کار مربوطه اعاده گردد،" و وی از پذیرش کار امتناع ورزد. بدین ترتیب رژیم قادر خواهد شد کارگران بیکار شده از یک واحد تولیدی را با "حداقل دستمزد" در همان کارسای استخدام نماید.

حسین کمالی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی و رئیس کمیسیون کار و امور اداری و استخدامی مجلس در یک گفتگوی مطبوعاتی درباره "ویژگیهای لایحه بیمه بیکاری" سخن راند. لایحه بیمه بیکاری که در هیات دولت جمهوری اسلامی به تصویب رسیده است، بصورت یک لایحه "یک فوریتی" در مجلس به بحث و مذاکره گذاشته خواهد شد. باید خاطر نشان ساخت که بدنال کاهش درآمدهای ارزی رژیم در اثر سقوط بهای نفت، بسیاری از واحدهای تولیدی کشور که "واحدهای ارزبر" نامیده می شوند، از تولید باز ماندند. لایحه بیمه بیکاری که هنوز از تصویب مجلس شورای اسلامی نگذشته است، در واقع واکنش و عکس العمل جمهوری اسلامی در قبال شارفزاینده بیکاران کشور است. رئیس کمیسیون کار و امور اداری و استخدامی مجلس فاش ساخت که بابت تامین حق بیمه بیکاری مبالغی از دستمزد کارگران شاغل برداشت خواهد شد. وی گفت: "نرخ در نظر گرفته شده در این لایحه، ۵ درصد دستمزد کارگر است که مشترکاً از سوی کارگر و کارفرما پرداخت می شود."

کمالی در باره سقف پرداختی بیمه بیکاری اظهار داشت: "سقف پرداخت بیمه بیکاری را با حداقل دستمزد بررسی کرده ایم و گفته شده برای کارگر مجرد حداقل حقوق پرداخت می شود و این پرداخت تا ۲ سال ادامه خواهد داشت که اگر تا این

پروژه احداث خطوط لوله نفت به ترکیه

کاز به ترکیه مورد بررسی قرار گرفت. براساس برآورد فعلی پروژه احداث خطوط لوله نفت به ترکیه بالغ بر ۴/۲۰۰ میلیارد دلار هزینه در برخواهد داشت و جمهوری اسلامی در انتهای پروژه قادر خواهد بود روزانه ۱ میلیون بشکه نفت به اروپا صادر نماید.

وزیر مشاور در امور نفتی ترکیه، "ضمن ابراز خوشحالی از روند مثبت مذاکرات، اظهار داشت: در مذاکرات اخیر همچنین در مورد اجرای پروژه احداث خطوط لوله نفت و گاز ایران به ترکیه نیز گفتگوهای انجام شد که بسیار مفید واقع گردید و امیدواریم که سال ۸۷ سال شکوفایی روابط دو کشور در همه زمینه ها باشد."

اطلاعات ۱۱ دیماه - آقازاده وزیر نفت جمهوری اسلامی که برای مذاکره با مقامات ترکیه راهی آن کشور شده بود در جریان سفر خود با "تورکوت اوزال" نخست وزیر ترکیه، وزیر مشاور در امور نفتی ترکیه دیدار و گفتگو کرد. ترکیه در سال جاری میزان خرید نفت خود را از جمهوری اسلامی به میزان ۲۰ درصد کاهش داده است. در مذاکرات بین وزیر نفت رژیم با مقامات ترکیه، توافق شد که در سال ۱۹۸۷، جمهوری اسلامی میزان ۶ میلیون تن نفت خام به ترکیه صادر نماید. آقازاده تاکید نمود که فروش نفت به ترکیه از این پس دیگر به شیوه "نت بک" نخواهد بود و بانرخ رسمی اوپک صورت می گیرد. در ملاقات آقازاده با مقامات ترکیه، پیش نویس طرح اجرای پروژه احداث خطوط لوله نفت و

آموزش نظامی دانش آموزان در اردوگاههای نظامی

راهنمایی تدریس می شود. وی درباره چگونگی این آموزش عنوان نمود: "دانش آموزانی که کلاسهای تئوری آموزش نظامی را طی می کنند، در مواقع مناسب تحت نظر مربیان تربیتی چند روز در اردوگاههای نظامی جهت آموزش عملی نظامی اسکان داده می شوند."

کیهان ۹ دیماه - اکرمی وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی درباره آموزش نظامی دانش آموزان اعلام کرد: "این وزارتخانه با همکاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مشغول تعلیم آموزش نظامی به کلیه دانش آموزان مدارس است و برای نیل به این اهداف، آموزش نظامی در مدارس

تجمع نیروهای نظامی جمهوری اسلامی در مرز افغانستان و شوروی

اطلاعات ۱۲ دیماه - جمهوری اسلامی با احداث دهها پستگاه و آسایشگاه و برجهای نظامی، نیروی نظامی بیشتری در مرزهای خراسان با کشورهای اتحاد شوروی و افغانستان بسیج می کند. سرپرست "دفتر طرح تامین مرز استان خراسان" در مصاحبه با خبرنگاری جمهوری اسلامی تصریح کرد: "با ایجاد ۱۲۹ کیلومتر راه مرزی واحداث ۲۶ آسایشگاه و ۱۴ پستگاه، امنیت بخشی از مرز استان خراسان با در کشور شوروی و افغانستان تامین شد." وی افزود: "در اجرای طرح تامین امنیت مرز خراسان در هر چهار کیلومتر یک پستگاه و به فواصل ۵۰۰ متر، جاده مرزی و در مناطق مورد لزوم برجک ایجاد می شود." وی هدف از ایجاد راههای مرزی را "کنترل و اشراف بر نوار مرزی، امکان گشت زنی و تردد بیشتر نیروهای انتظامی و دست یابی پستگاهها به یکدیگر و نهایتاً به مراکز پشتیبانی" ذکر کرد.

۵۷ درصد بیمارستانهای خصوصی در تهران است

کیهان ۱۱ دیماه - اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی طی گزارشی نتایج بررسی آماری خدمت بیمارستانها و درمانگاههای بخش خصوصی در مناطق شهری کشور در سال ۱۳۶۴ را اعلام کرد. بر اساس این گزارش در طی سال ۱۳۶۴، جمعاً تعداد ۲۸۹ باب بیمارستان و درمانگاه خصوصی با ۹۶۶۰ تخت در مناطق شهری کشور دایر بوده که ۱۶۶ باب آن (۵۷/۴ درصد) با ۵۰۴۷ تخت در تهران و ۱۲۳ باب بقیه (۴۲/۵ درصد) با ۴۶۱۳ تخت به سایر مناطق شهری کشور اختصاص داشت. در سال مورد گزارش، ارزش فروش خدمات بیمارستانها و درمانگاههای بخش خصوصی مناطق شهری به حدود ۲۷۶۱۵ میلیون ریال بالغ گشت.

نقارت مستقیم "ولی فقیه" بر موسسات کیهان و اطلاعات

کیهان هوایی ۱۷ دیماه - در پی "استفسار" حجت الاسلام دعائی و حجت الاسلام خاتمی نمایندگان خمینی در موسسات کیهان و اطلاعات از خمینی مبنی بر وضعیت حقوقی این دو موسسه، سید احمد خمینی اعلام کرد که از این پس "این دو موسسه بزرگ مطبوعاتی زیر نظر مستقیم مقام معظم ولایت فقیه اداره" خواهد شد. میرحسین موسوی نخست وزیر نیز پیش از اعلام "متن موافقتنامه" خمینی اظهار داشته بود: "این جانب فکر می کنم موسسات فوق آزاد از بنیاد وزیر نظر مستقیم مقام معظم ولایت فقیه اداره شود بهتر خواهد بود." باید خاطر نشان ساخت که یک هفته پیش از آن، سید محمد اصغری سرپرست کیهان طی سخنانی برای جلب اطمینان "ولی فقیه" اظهار داشته بود: "ما در اینجا به همه اعلام می کنیم که تلاش ما این است که در خط دقیق رهبری و امامت حرکت نمائیم... در این جریانها اجتماعی و پرتحول کیهان باید تلاش کند خود را با رهبری اسلامی و امامت تطبیق دهد."

رسالت: موضوع مهدی هاشمی فراموش نشود!

اسلامی که بعنوان ناطق قبل از دستور سخن می گفت، خطاب به جناح مخالف اظهار داشت: "اگر راست می گوئید و از امام حمایت می کنید چرا عده ای از شما هنوز داستان سید مهدی را می خواهید منحرف کنید و طی اعلامیه ای به امضای ۱۴۵ نفر، گروه وابسته و منحرف و توطئه گر را محکوم نکردید؟ چرا هنوز عده ای در گوشه و کنار کشور آنرا قضیه غیر قابل اهمیت تبلیغ می کنند؟" آیت الله آذری قمی ضمن دفاع از فقه اسلامی، جناح خود را طرفداران راستین "فقه آل محمد" نامید و جناح مخالف را به دور شدن از مبانی این فقه متهم نمود.

باید خاطر نشان ساخت که جناح مخالف نیز با حمله به روزنامه رسالت، آنها را به دور شدن از "امام" متهم کرده و پیروان این جناح را "بی شرف" لقب دادند.

روزنامه رسالت که با مسئولیت آیت الله احمد آذری قمی انتشار می یابد، در سلسله مقالاتی حمله به جریان مهدی هاشمی را ادامه می دهد. با پایان گرفتن سرمقاله های احمد توکلی (وزیر اسبق کار) که تماماً به حمله به جریان مهدی هاشمی اختصاص داشت، سرمقاله جدید این روزنامه تحت عنوان "باز هم هیچانی دیگر... سپس "فراموشی!" این موضوع را کماکان ادامه می دهد. روزنامه رسالت در حمله به جناح مهدی هاشمی، تنها به درج این مقالات (سرمقاله) بسنده نکرده و به درج مقالات دیگری تحت عنوان "مقالات وارده" که حول همین موضوع است، می پردازد. خط حاکم بر این مقالات، متهم کردن جناح مقابل به "منحرف کردن" موضوع مهدی هاشمی، "مسکوت گذاردن" آن و همدستی با این جریان است.

احمد آذری قمی در جلسه علنی مجلس شورای

جریان سفر مک فارلین از زبان رجائی خراسانی

مایکسری سئالات دقیق از ایشان کرده ایم و به دقت به پاسخ آنها گوش داده ایم... و حتماً هم وقتی می رفتند چیزی به آنها نداده ایم، چون روشن تر از این مساله ای نمی تواند وجود داشته باشد. چرا، چون وقتی مک فارلین به اینجا آمد، ایشان کاملاً در اختیار ما بوده است با هر کسی خواستیم صحبت کرده و اصولاً انتخاب کاملاً در اختیار ما بوده است. دوم اینکه کسانی که آنجا بودند نمی بودند. حتماً یاران جمهوری اسلامی و خبرنگاران سیاسی ما بودند. بنابراین اگر ما یک خلاصه اطلاعاتی در ذهنمان وجود دارد لزومی ندارد این خلاصه اطلاعاتی را با سئالات بد و نامیمن پر کنیم. دیگر تفاوتی نمی کند چه من بروم یا آنها صحبت کنم و چه کس دیگر... من فکر می کنم کلیات قضیه را آقای رفسنجانی به قدر کافی و شافی توضیح دادند و بعد یک سری جزئیات هم هست که خوب اصلاً گفتش درست نیست... هست چیزهایی که مطرح کردندش به نفع جمهوری اسلامی در یک شرایطی نیست."

میزان رسمی تلفات و خسارات سیل

روستائی به صورت صد درصد تخریب شده اند و ۱۵ هزار واحد مسکونی دیگر آسیب دیده اند. از مجموع ۲۵۹۰ مدرسه ۴۰ درصد کاملاً تخریب شده و ۶۰ درصد خسارت دیده اند. همچنین ۱۷۴۹ کیلومتر راه اصلی و فرعی صدمه دیده اند و ۱۱۶۰ دهنه واحد پل تخریب شده که دیگر قابل استفاده نیستند. به ۱۵۰ درمانگاه و خانه بهداشت نیز در جریان سیل آسیب وارد شده است."

سرپرست ستاد ویژه نخست وزیری میزان خسارات وارده ۶ استان سیل زده را ۱۲۰ میلیارد ریال اعلام کرد. گرچه این آمار بسیار کمتر از میزان خسارات وارد آمده است، ولی دولت جمهوری اسلامی در بودجه سال ۶۶، تنها مبلغ ۱۰ میلیارد ریال را برای مناطق سیل زده پیش بینی کرده است.

کیهان ۱۴ دیماه - جلیل بشارتی سرپرست ستاد ویژه نخست وزیری در امور مناطق سیل زده در مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی میزان تلفات و خسارات مالی سیل را تشریح کرد. وی اظهار داشت: "رقم کل تلفات انسانی ناشی از سیل ۴۲۴ نفر در استانها گزارش شده است و همچنین در کل خسارات مقام اول را استان فارس با ۵۶ درصد دارایی باشد و به ترتیب در استانهای بوشهر ۲۰ درصد، کرمان ۹ درصد، یزد ۶ درصد، خوزستان ۴/۵ درصد و استان کهگیلویه و بویر احمد ۴ درصد گزارش شده است. خسارات در بخش کشاورزی ۴۰ درصد، در بخش واحدهای مسکونی شهری و روستایی ۲۰ درصد، در بخش راه و تاسیسات ۱۷ درصد گزارش شده است." وی خاطر نشان ساخت: "۱۲۲۴ روستا در جریان سیل خسارت دیده اند. ۱۰۸۹۲ واحد مسکونی شهری و

مردم و آشفته شدن شهر به آنان قول داد موضوع را برای اتخاذ تصمیم، در جلسه ای با امام جمعه طرح کند.

تظاهرات ضد رژیم در ابرانشهر

مردم ابرانشهر در روز ۱۵ آذر علیه رژیم دست به تظاهرات زدند. در این تظاهرات مردم شعار مرگ بر خمینی و رژیم جمهوری اسلامی سردادند. تظاهرات از حرکت دسته جمعی چندصد نفر از دانش آموزان این شهر آغاز شد. با پیوستن اقشار دیگری از مردم، تظاهرکنندگان جمع کثیری را تشکیل دادند. بسیاری از مغازه ها بسته شد و ادارات بحالت نیمه تعطیل درآمد. مأمورین سرکوب رژیم از گسترده شدن تظاهرات بشدت دچار سراسیمگی گشتند. به دنبال یورش پاسداران به صفوف تظاهرکنندگان، گروهی از مردم ابرانشهر توسط عوامل رژیم دستگیر شدند.

حد اقل هزینه زندگی

روز سه شنبه چهارم آذرماه در محل وزارت کار، گردهمایی شوراهای اسلامی، با حضور وزیر کار پیرامون بررسی دستمزد کارگران برگزار گردید. در گردهمایی، افرادی از کارخانه های جاده مخصوص کرج نیز شرکت کرده بودند. در این اجلاس در بحث پیرامون سطح هزینه ها طرح شد که طبق برآورد کارگران، یک خانواده چهارنفره روزانه به دوهزار و صد ریال پول جهت تامین حداقل مایحتاج زندگی نیاز دارد.

وزیر کار به هنگام صحبت پیرامون لایحه جدید قانون کار اعلام کرد که نباید نظر کارگران را در لایحه قانون کار دخالت داد.

تظاهرات در شیراز

اوایل آذرماه سال جاری حدود هزار نفر از اهالی زحمتکش شیراز در اعتراض به عدم توزیع نفت در مقابل استانداری این شهر دست به تظاهرات زدند.

اکنون مدت زیادی است که توزیع نفت و سایر مواد سوختی در اکثر نقاط کشور به شدت نابسامان شده و مردم برای تهیه چند لیتر نفت ناچار به تحمل روزها انتظار و پرداخت پول فراوان هستند. اخیراً در پی بیماریار پالایشگاه های کشور توسط رژیم عراق وضعیت توزیع نفت از سابق نیز بدتر شده است.

در شیراز طی ماه های آبان و آذر فقط ۲۰ لیتر نفت به صورت کوبنی به مردم تحویل دادند. تظاهرات آذرماه در اعتراض به همین وضع صورت گرفت. صدها نفر از اهالی شهر وقتی پس از روزها انتظار دیدند که مسئولین حاضر به افزایش سهمیه سوخت آنان نیستند، دسته جمعی برای دریافت نفت و ابراز اعتراض به طرف استانداری شهر به راه افتادند. در مقابل استانداری مأمورین از ورود آنان به داخل مانع کردند اما مردم خشمگین، مأمورین را کنار زده و پس از ورود به داخل ساختمان خواهان ملاقات با استاندار شدند. آنان فریاد می زدند که مای خوامیم بدانیم استاندار شهر با ۲۰ لیتر نفت چگونه دوماه منزلش را گرم نگه می دارد.

استاندار و اطرافیانش علیرغم عدم تمایل خود ناچار به حضور در جمع اجتماع کنندگان شدند. مردم به وی و سایر مسئولین حاضر اعلام کردند چنانچه سریعاً نفت کافی به آنان داده نشود، تمام تانکرهای حامل نفت، گاز و... را در خیابانها و کوچه های شهر به آتش خواهند کشید. استاندار در غراس از تهدید

در کارخانه "ایران بهلر"

روز ششم مهرماه در کارخانه "ایران بهلر" انتخابات شورای آن برگزار گردید. در این انتخابات بیش از سه چهارم کارگران در اعتراض به فرمایشی بودن آن رای سفید به صندوق ریختند.

"ایران بهلر" از جمله کارخانه هایی است که خط تولید آن جهت تامین نیازهای جبهه و پشت جبهه تغییر یافته است. تولید قبلی کارخانه چکش بادی بود. هم اکنون تولید آن خمپاره، آر. پی. جی. و قطعات سلاحهای سنگین برای سپاه پاسداران است. کارگران کارخانه با کم کاری عمدی، ایجاد اختلال در خط تولید و عدم رعایت مقررات فنی ادامه تولید نظامی کارخانه را دچار اشکال ساخته اند.

مسئولین کارخانه یکبار در شهریور ماه در واکنش علیه کارگران دستور دادند جیره نقدی کارگران موقت را که ۲۰ تومان در روز بود قطع کنند. چندی بعد از آن نیز اداره کار با صدور بخشنامه ای دستور داد کسانی که در سال ۶۵ "پایه" گرفته و هشت تومان به دستمزد روزانه آنان افزوده شده است، "پایه" شان لغو گردد و کارگران پولهای دریافت شده را پس بدهند.

بر زمینه همین تشبیهات سرپرستان کارخانه روز نوزدهم مهرماه از خرید نان برای شام کارگران خودداری کردند. آنان در نظر داشتند در صورت موفقیت توبلغه خود به همین شکل بازم به حذف مزایای کارگران ادامه دهند. اما همان شب کارگران در اعتراض به عدم خرید نان در آشپزخانه کارخانه اعتصاب کرده و از حضور بر سر کار خودداری ورزیدند. مسئولین در وحشت از توقف تولیدات نظامی کارخانه در مقابل کارگران عقب نشستند.

درگیری روستائیان ساری با پاسداران

اواسط مرداد ماه در روستای "لاردا" از توابع ساری درگیری شدیدی میان اهالی روستا با اعضای انجمن اسلامی آن که "سپاهی" و "سپاهی" هستند رخ داد. علت درگیری، اعتراض و مخالفت روستائیان به اعمال انجمن مبنی بر شناسایی و معرفی جوانان مشمول فراری و زورگویی های اعضای آن بود.

این درگیری حدود ۲۴ ساعت به طول انجامید و سپس سپاه و کمیته در حمایت از انجمن اسلامی وارد روستا شدند و به سرکوب و ضرب و شتم روستائیان پرداختند. سپاه برای جلوگیری از ادامه اعتراضات روستائیان روستا را به محاصره درآورده و ورود و خروج اهالی را زیر نظر گرفت. در این میان چند تن توانستند از محاصره سپاه گریخته، خود را به ژاندارمری محل برسانند. ژاندارمری برای رسیدگی به موضوع اکیپی را به روستا اعزام کرد. اکیپ اعزامی ژاندارمری علاوه بر دستگیری ۸ نفر از اعضای انجمن اسلامی عده ای از روستائیان را نیز دستگیر کرده و با خود برد. روستائیان در اعتراض به دستگیری جوانان شان توسط ژاندارم ها، با زن و بچه به شهر رفته و در مقابل استانداری اجتماع کردند. عدم موافقت استاندار برای ملاقات با اجتماع کنندگان و رسیدگی به موضوع آنان موجب شد آنها در همان محل دست به تظاهرات بزنند. پایورش مأمورین از ادامه تظاهرات جلوگیری شده و وعده ای دستگیر شدند.



سمویری از یک روستایی، با سیمایی افتاب سوخته. هر خط چهره اش حکایت از تحمل رنجی طاقت فرسا و استخوانسوز دارد. تنش اگر چه زیر بار ظلم شاه و شیخ کوفته اما در چشمانش شوق زندگی موج می زند.

«حفظ وضعیت موجود» محور اصلی بودجه سال ۶۶

این بودجه است. البته این بودجه، بودجه مناسب این شرایط است ولی بودجه مطلوبی نیست. به عبارتی بودجه‌های جاری و عمرانی ما برای حفظ وضع موجود تنظیم شده نه برای شرایط توسعه اقتصادی کشور.

موسوی نخست وزیر در گزارش خود به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد که در بودجه سال ۶۵، علیرغم تنگناهای ارزی و مالی، مبلغ ۶۲۰ میلیارد ریال نیز صرفه جویی شده است.

نخست وزیر جمهوری اسلامی بیان کرد که بدنبال کاهش درآمدهای حاصله از صدور و فروش نفت، رژیم سیاست افزایش درآمدهای مالیاتی را دنبال می‌کند. وی خاطر نشان ساخت که درآمدهای مالیاتی نسبت به کل درآمد دولت از ۱۹ درصد در سال ۵۶ به ۲۸/۴ درصد در سال ۶۴ افزایش یافته است. موسوی افزود که در ۹ ماه اول سال جاری سهم مالیات در درآمدها به ۶۰ درصد بالغ شده است.

نخست وزیر رژیم با اعلام این افزایش سهم درآمدهای مالیاتی در کل درآمد دولت، خاطر نشان ساخت که رژیم در سال آتی نیز بر سیاست افزایش درآمد مالیاتی تاکید خواهد کرد.

موسوی در گزارش خود به مجلس فاش ساخت که در سال گذشته «چراغ سبزهایی» برای اخذ وام خارجی در کار بوده است. وی گفت: «در بحبوحه مشکلات ارزی کشور ما شاهد برخی چراغ سبزها برای دریافت وام خارجی بودیم». اما مدعی شد که جمهوری اسلامی از پذیرش استقراض خارجی امتناع ورزیده است.

موسوی محور دیگر لایحه بودجه سال ۶۶ را کاهش شدید هزینه‌های جاری اعلام کرد و عنوان نمود که سیاست اعمال «صرفه جویی اکید» همچون بودجه سال ۶۵ ناظر بر همه طرحها و پروژه‌های دولت خواهد بود. همانگونه که پیش از این نیز اعلام شد، لایحه بودجه سال ۶۶ برای مدتی در کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی مورد بحث قرار خواهد گرفت و پس از آن به مجلس ارائه خواهد شد.

لایحه بودجه سال ۶۶ کل کشور که در تاریخ سوم دیماه به تصویب هیات وزیران جمهوری اسلامی رسیده بود، روز هفتم دیماه توسط میرحسین موسوی نخست وزیر به مجلس شورای اسلامی ارائه شد. موسوی طی یک گفتگوی رادیو تلویزیونی مختصات بودجه سال آتی را تشریح کرد. وی درباره بودجه سال ۶۵ به مثابه تجربه بودجه سال آتی اظهار داشت: «سال ۶۵، سال خاصی است که با توجه به شکستن قیمت نفت و مشکلات ارزی و مالی، می‌توان حدس زد که تا چه اندازه ما به این تجربیات تکیه داشتیم. در یک کلمه، لایحه بودجه، یک بودجه انقباضی است که در برنامه نوین اقتصادی کشور پیش بینی شده است».

موسوی در سخنان خود در برابر مجلس شورای اسلامی تاکید کرد که در بودجه سال آتی نیز جنگ محور اصلی را تشکیل می‌دهد. وی خاطر نشان ساخت که دولت جمهوری اسلامی در سال آتی بیش از سال ۶۵ به امر جنگ خواهد پرداخت. وی فاش ساخت: «در شرایطی که ما کمترین درآمد ارزی در طول ۱۲ سال گذشته را داشته‌ایم، دولت بیشترین ارز و ریال را نسبت به سالهای قبل، برای ادامه مقاومت و دفاع مقدس پرداخت نموده است».

موسوی درباره مختصات آماری لایحه بودجه سال ۶۶، پیشاپیش از نمایندگان خواست که به ارقام توجه نکنند. وی گفت: «امسال طبیعی است که مجلس محترم از دولت شاخص‌های کنسرسی که هر سال به هنگام تقدیم لایحه بودجه ارائه می‌شود را به عنوان کارنامه خدمتگزاری مردم نطلبند. موفقیت‌هایی که نظام جمهوری اسلامی در سال ۶۵ بدست آورده است بزرگتر از آنست که در جوف چند رقم بکنجد یا با چند نمودار بیان شود».

از سوی دیگر زنجانی وزیر برنامه و بودجه در گفتگویی با کیهان ۹ دیماه، شامی کلی از بودجه سال ۶۶ ارائه کرد: «بر اساس این تجربه (تجربه سال ۶۵) ما برای سال ۱۳۶۶ سعی کردیم با توجه به روند واقعی درآمدهایی که برای نفت و درآمدهای مالیاتی پیش بینی می‌شود بودجه را تنظیم کنیم، لذا یکی از ویژگی‌های بودجه سال ۶۶ واقع گرایی

بهراد نبوی: شرایط نوین اقتصادی یعنی بی‌ارزی

نسبت به کل درآمد ارزی بیش از ۲/۵ درصد نیست.

یکی دیگر از سخنرانان سمینار «تبیین برنامه نوین اقتصادی دولت» ایرادانی وزیر امور اقتصادی و دارایی بود. وی اعلام کرد که دولت جمهوری اسلامی قادر به تامین ارز مورد نیاز صنایع کشور نمی‌باشد. وی در این رابطه اظهار داشت: «ارز بخشهای حیاتی صنعت مثل فولاد مبارکه و سایر طرحهای اساسی توسط دولت تامین می‌شود. ولی سایر بخشها می‌توانند با استفاده از ارز صادراتی، ارز استحصالی کارگران ایرانی شاغل در خلیج فارس، ارزهای سرگردان ویا روش «بای یک» ارز مورد نیاز خود را تامین کنند».

از سوی دیگر بر اساس گزارش وزارت صنایع طی سه ماهه دوم سال ۶۵، «با ایجاد ۶۳۲ واحد تولیدی - صنعتی با سرمایه گذاری (۲۷ میلیارد ریال موافقت شده است». در گزارش وزارت صنایع سنگین که در کیهان ۸ دیماه بازتاب یافته است اعلام شده است که دولت از ۲۵۹ فقره از موافقتهای اصولی واحدهای ارز بر تنها ارز ۱۲ واحد را تامین خواهد کرد و نیاز ارزی سایر واحدها توسط خود متقاضی تامین خواهد شد.

بدین ترتیب تامین ارز به روش «بای یک» که همان طرح اجاره صنایع کشور به کشورهای خارجی است، در سال آتی به یکی از روشهای اصلی تامین ارز و تامین مواد اولیه مورد نیاز صنایع بدل خواهد شد. همانگونه که در شماره قبل نشریه اکثریت نیز خاطر نشان گردید، دولت جمهوری اسلامی برای اجرای طرح «بای یک» اقدام به تاسیس یک صندوق مالی مربوط به صادرات غیرنفتی نموده است.

اطلاعات ۱۰ دیماه - بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین جمهوری اسلامی در سمینار تبیین برنامه نوین اقتصادی دولت، تصویری از وضعیت ارزی کشور ارائه کرد. وی اظهار داشت: «شرایط نوین اقتصادی، یعنی بی‌ارزی». وی در توضیح این سخن عنوان نمود: «در این شرایط جامعه به لحاظ درآمدهای ارزی دچار مضیق و تنگنا شده است. می‌دانید که این شرایط پس از سقوط ناگهانی بهای نفت از حدود ۲۸ دلار رسی به حدود ۵-۶ دلار، شروع شد».

وزیر صنایع سنگین جمهوری اسلامی مطرح ساخت که کاهش درآمد ارزی تنها به کاهش بهای نفت مربوط نمی‌شود، بلکه «فشار بیش از پیش صدام به مناطق و مراکز اقتصادی ماکه با قصد جلوگیری از تولید و صدور نفت انجام شد» و همچنین «کاهش شدید ارزش برابری دلار نسبت به سایر ارزهای دنیا» نیز در این «مضیق» ارزی موثر بوده‌اند. وی افزود: «بهای دلار در عرض ۶ ماه حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد نسبت به سایر ارزها افت داشته است». وی خاطر نشان ساخت که بهای برخی از کالاهای وارداتی جمهوری اسلامی (بعلت کاهش شدید ارزش برابری دلار) بشدت افزایش یافته است.

نبوی هم چنین گفت: «ما یک معده و حجم خاصی برای هزینه کردن ۲۲ میلیارد دلار ارز داشتیم... اما حالا یک معده چند میلیارد دلاری داریم که یک چهل آن را صادرات غیرنفتی تشکیل می‌دهد».

علیرغم تبلیغات گسترده رژیم حول صادرات غیرنفتی، وزیر صنایع سنگین فاش ساخت که میزان درآمد ارزی حاصله از صادرات غیرنفتی

کم‌های مالی رسیده

بهرام از مایانز - آلمان فدرال	۲۰ مارک
الف - آمریکا	۲۰ دلار
از پادوا - ایتالیا	۷۰۰۰ لیر
از فرارا - ایتالیا	۵۰۰ لیر
«معلم» از کینهاک - دانمارک	۳۰۰۰ کرون
سهند از کینهاک	۱۰۰۰ کرون
فراز از کینهاک	۲۰۰۰ کرون
از ا - مئوسوئ	۵۰۰ کرون
درآمد حاصله از جشنی در شهر الدنبروک آلمان فدرال	۵۵۰ مارک

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

اجباری شد. خمینی در این زمینه فتوای ویژه‌ای صادر کرد. دولت در سال جاری مدام بخشنامه‌های تازه‌ای انتشار داده است که مضمون همه آنها چنین است: همه چیز را در خدمت جنگ قرار دهید. بر اساس این بخشنامه‌ها شرکت دست کم ۲۰ درصد از کارکنان واحدهای تولیدی و اداری در جنگ اجباری شد. انواع حیل و تهید و تهدید و اجبار به کار بسته شد تا دانش آموزان و دانشجویان درس و مشق را رها کرده و رزق برداش گیرند.

در خردادماه، رفسنجانی بعنوان سخنگوی شورای عالی دفاع اعلام کرد: "از ماه گذشته جذب نیروهای نظام وظیفه خود را بیش از دو برابر کردیم. بعلاوه شورای عالی دفاع تصویب کرد سربازهایی که الان خدمت می‌کنند، دو ماه بر خدمتشان افزوده شود و در جبهه بمانند." رفسنجانی در همان هنگام تاکید کرد: "به مراکز دولتی و نهادهای مستورد شده ... که همه امکاناتشان را در خدمت تجهیز این گردانهای جدید که مرحله اول کارماست ... قرار دهند و مراکز را که می‌توان از کارهای معمولی خودش ولو با تعطیل کردن عوالت کار از قبیل امکانات انسانی، مالی و تدارکاتی، ترابری و فنی، علمی و هنری و هر چه که به درد جبهه می‌خورد در اختیار این حرکت جدید قرار بدهند." فرمانده سپاه پاسداران نیز آن هنگام در ادامه حرفهای رفسنجانی تاکید کرد کارخانه‌ها باید فقط کارشان تولید نارنجک و خمپاره و تجهیزات فنی لازم برای جنگ باشد. در این زمینه نخست وزیر چنین گفت: "امروز اقتصاد کشور بطور کامل در خدمت جنگ و متأثر از جنگ است." همه این گونه اظهارات مفهوم "جنگ تمام عیار" را معنی می‌کنند.

این که تاکید این گونه بر روی جنگ تام، شاخص مرحله تازه‌ای در جنگ است، مورد اذعان خود رهبران رژیم نیز هست. رفسنجانی در همان زمانی که اظهارات بالا را بر زبان راند، مشخصاً گفت: "با این حساب ما وارد مرحله جدیدی شدیم که به نظر رسید باید نیروهای زیادی از مردم را تجهیز کنیم."

آمریکا و جنگ تام

جنگ تمام عیار با نارنجک و خمپاره و دانش آموز بسیجی میسر نیست. جنگ تمام عیار، زرادخانه‌ای تمام عیار می‌خواهد. در اینجاست که کرنش‌های رژیم به امپریالیسم آمریکا و امپریالیستهای اروپایی بیشتر و

ست گیری شده بود. در ۱۵ آذرماه سال گذشته، در حالی که "یکی دوشربه عمیق نظامی" و تاکتیک "شیخون" و عملیات محدود" بی‌ثمری خود را آشکار ساخته بودند، رفسنجانی - گویز جمهوری اسلامی - در خطبه نماز جمعه تهران، فریاد برداشت که "بگذاریم جنگ همیشه در جامعه باشد... اگر جنگ بیست سال هم طول بکشد." وی در همانجا تاکید کرد: "از شالی‌ترین جبهه‌ها تا جنوبی‌ترین

حمله والفجر ۸ به سرآمد؛ حمله‌ای که بازگشت به دوره "ضربات عمیق نظامی" بود. والفجر ۹ و کربلاهای (۱) و ۲ و ۳ در ادامه این حمله صورت گرفت. اما "ضربات عمیق نظامی" که قبلاً امتحان خود را پس داده بودند. سرنوشت جنگ با این نوع حملات تعیین نشده و نمی‌شود. در مناطق جنگی جمهوری اسلامی این نکته روشن بود. از همین رو ضمن تداوم این تاکتیک، نکته دیگری کشیده شد.

جنگ تمام عیار



جنگ تمام عیار

همه چیز در خدمت جنگ

اصطلاح "جنگ تام" و یا "تمام عیار" از آن گویز سئول تبلیغات دستگاه جبهی هینلر است. در مرحله بعد از نبرد استالینگراد، آن هنگام که شکست آلمان هینلری وضوح کاملی یافت، فاشیست‌ها بر جنگ تمام عیار پای فشردند. گویز اعلام کرد که آلمان باید تمام هست و نیست خود را در خدمت جنگ بگذارد. او گفت: ما باید به یک جنگ تام مبادرت ورزیم.

جمهوری اسلامی عواره بر جنگ تمام عیار تاکید داشته است. خمینی وقتی که می‌گوید "جنگ در راه امری است" به نوعی حرف رژیم هینلر را تکرار می‌کند. اما مرحله جنگ تام عیار در مفهوم مشخص این اصطلاح با پیام سال نوی خمینی در آغاز اسال آغاز شد. بیش از این نیز در این جهت

کربلاهای ۴ و ۵ آیا در ادامه ۲ کربلاهای پیشین است؟ کدهای جنگی می‌خواهند چنین تصویری را القا کنند، اما مرحله فعلی جنگ با فازی که سه کربلای نخست در آن به وقوع پیوست، تفاوت مهمی دارد و همین امر است که دو کربلای اخیر را از حملات پیشین جمهوری اسلامی متمایز می‌سازد. این تمایز در کجاست؟ برای پاسخ گفتن به این سؤال لازم است به عقب برگردیم.

در بهمن ماه سال گذشته، جمهوری اسلامی در طی حمله بر سرودهایی که به آن والفجر ۸ نام نهاده بود، بندر عراقی فاو را تصرف کرد. ما در آن هنگام "والفجر ۸" را چنین توصیف کردیم: پایان یک شکست، آغاز یک شکست. والفجر ۸ بازگشت به تاکتیک بود که رفسنجانی در مصاحبه با روزنامه اطلاعات اول مهرماه ۶۲ آنرا تاکتیک "یکی دوشربه عمیق نظامی" نام نهاده بود. شکست عملیات بدر، که در آن ۱۵۰۰ سرباز ایرانی کشته شد، بطور موقت بر این تاکتیک نقطه پایانی نهاد. از اواخر خرداد ماه سال گذشته، پس از پایان دور دوم جنگ شهرها، رژیم به تاکتیک تازه‌ای رو آورد: "شیخون" و "عملیات نفوذی محدود". عملیاتی همچون قدس، ظفر، یا امام موسی جعفر و عاشورا که در چارچوب این طرح تازه جنگی صورت گرفت، به لحاظ نظامی بی اهمیت بودند و تنها مصرف تبلیغاتی داشتند. در طی هفت ماهی که جمهوری اسلامی برای حمله‌های سرگرم تدارک دیدن برای حمله‌های وسیعتر و از سوی دیگر تبلیغ حول شیخونهای خود بود، عراق نیروی هوایی خود را بر روی خلیج فارس متمرکز ساخت و بی‌وقفه خاک را در هم کوبید. این مرحله، در جنگی که مشخصه آن کشتارهای بزرگ چندین هزار نفره است، تنها می‌توانست موقتی و تدارکاتی باشد. ما در آن هنگام در توصیف حالت گذرای این مرحله چنین نوشتیم: "دو رژیم جنایتکار خمینی و صدام، بعد از یک دوره تدارک و حملات جانبی، اینک برای یک کشتار وسیع، ابزار آمادگی می‌کنند. منطق این جنگ بوج و بی سرانجام نیز، جز این نمی‌طلبد. جنگی که ده‌هزار، ده‌هزار به خاک و خون کشیده است، نمی‌تواند در قالب "عملیات محدود" از این سو - حملات هوایی به هدفهای بزرگ دریایی" از آن سو محدود بماند." (اکثریت - شماره ۸۲)

مرحله "عملیات محدود" بالاخره در ۲۰ بهمن سال گذشته، با

کربلای ۵ تعداد...

بقیه از صفحه اول

است، جنایتست مطلق
و اگر سفاقت باشد، سفاقت آگاهانه ای
است. زنده آورده اند که کشته
برگردانند و آگاهانه همه را به کشتن
می دهند.

پس از شروع عملیات کربلای ۵،
رادیوی جمهوری اسلامی تبلیغات
جنگی خود را تشدید کرد. عاوش
می نوازند و از کشتن سخن می گویند.
می خوانند شکستهای بزرگ را
در زورق دروغهای بزرگ ببینانند.
در رادیوی خود تا بعد از ظهر یکشنبه
۲۵ هواپیمای عراقی را سرتگون کرده و
چندین تیپ و گردان را از
بین برده اند. می گویند: تا کتون، از
زمان شروع حمله کربلای ۵، ۱۴۰۰۰
سرباز عراقی را کشته و سرجوخ
کرده ایم. رادیوی بغداد در مقابل از
تارو مار کردن ۴۰۰ تن از سربازان
ایرانی سخن می گوید.

تلویزیون بغداد در برنامه های
خبری خود مرتب بخشهایی از کانون
حمله اخیر را نشان می دهد، همه جا از
کشته پشته شده است.

جنگ شهرها

خطر از سر گرفتن جنگ شهرها
به شکل تمام عیار جدی است. جمهوری
اسلامی مدام پصره را زیر آتش گرفته
است و هواپیمای عراقی بر فراز
شهرهای ایران به پرواز درآمده اند.
در شب شنبه، یک روز پس از شروع
حمله کربلای ۵، شهرهای قم، اسفهان
و دزفول توسط هواپیمای عراقی
بمباران شده اند. در همین شب
در حالیکه رادیوی رژیم در حال پخش
اخبار "فتوحات" بود، آژیر قرمز که
خبر از حمله هوایی به تهران می داد،
به صدا درآمد و خواندن "فتوحات" به
نتانجام ماند. در طی حملات موشکی به



برای جنگ تمام عیار، مردان کفایت نمی کنند. در اینجا رهبران
رژیم برای سوختن در تنور جنگ، برای زنان نیز "حق" قایلند

لازم برای جنگ تمام عیار فراهم
می شود.

از کاروانهای کربلا

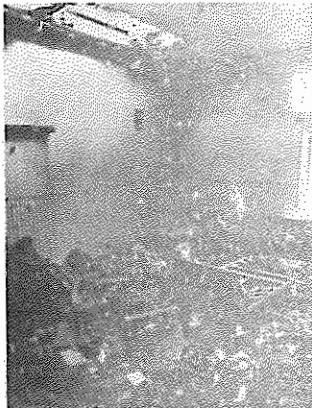
تا سپاه محمد

در ابتدا دم به دم کاروانهای
کربلا را راهی جبهه ها کردند. خودشان
گفتند دست کم یک میلیون نفر باید در
جبهه ها منتظر مرگ باشند. در فشارها
افزودند. در تهران و شهرستانها حتی
حالت حکومت نظامی آشکار برقرار
کردند تا جوانان بیشتری را دستگیر
کرده و راهی جبهه ها سازند. کاروانها
را به لشکر تبدیل کردند و لشکر را به
سپاه، به سپاه محمد، به سپاه مهدی.
در این فاصله جنگ، متوقف
نبود. مثل همیشه جریان داشت:
والفجر ۹، کربلای ۱، کربلای ۲،
کربلای ۳... حمله عراق به این شهر و
بقیه در صفحه ۱۲

بیشتر می شود. و بر همین اساس روابطی
که از قبل وجود داشت، تحکیم شد و تا
جایی پیش رفت که مک فارلین و
همرمان با هواپیمایی مملو از سلاح
وارد تهران شدند. در سال جاری کار
دلالتان اسلحه که در رابطه با رژیم
خیمه کار می کنند، رونق بی سابقه ای
داشته است. اما آنها تنها وارد کننده
اسلحه به تهران نبوده اند. آمریکا و
اسرائیل مستقیماً نیز سلاحهای لازم
برای جنگ تمام عیار را فراهم
کرده اند. در این زمینه اکنون
بسیاری از اسرار مگو بر ملا شده و جایی
برای انکار از دو سو باقی نمانده
است. دیگر همه می دانند که خط هوایی
انبارهای پنتاگون - فرودگاه های
اروپایی - فرودگاه قلعه مرغی تهران و
نیز غلدریایی بندر اسرائیلی ایلات -
بندر عباس تا چه حد پررفت و آمد
است. از این دوراه است که سلاحهای

شهرهای نیازمند و سونکرده دهها نفر
کشته و صدها نفر مجروح گردیده اند.
در روز شنبه، ستاد تبلیغات جنگ
اعلام کرد که جمهوری اسلامی
همه شهرهای عراق، بجز شهرهای مذهبی
نجف، سامرا، کربلا و کاظمین را مورد
حمله هوایی قرار خواهد داد.

بعد از ظهر روز یکشنبه رادیوی
جمهوری اسلامی خبر داد که در همین
روز یک موشک زمین به زمین به سوی
بغداد و سه موشک زمین به زمین به سوی
پسرده پرتاب شد.



جنگ ادامه دارد

این روند متوقف نمی شود. از
زمان فرمان خمینی در آغاز سال جدید
مدام بسیج کرده اند تا به کشتن دهند.
کاروانهای کربلا، سپاه محمد و
عده های بزرگ، در خور تبلیغات
بزرگ است. ۲۵۰۰۰ کشته عملیات
کربلای ۴ کافی نیست، در عملیات
کربلای ۵ بر آن افزوده و این عدد را
مضاعف ساخته اند. باز هم می افزایند.
و تنها بر دروغهای خود نمی افزایند،
تنها بر تعداد کشته ها نمی افزایند،
بر نفرت عظیم خلق نیز می افزایند.
نشم بزرگ خلق قاضی دادگامی است
که بر همه این جنایتکاریها رسیدگی
خواهد کرد.



ایران ایرانی حمله کربلای ۴

به جنگ پایان دهید!

بدنبال آغاز عملیات کربلای ۴، دولت شوروی با انتشار بیانیه ای،
مجدداً خواهان قطع جنگ ایران و عراق شد. در بیانیه دولت اتحاد شوروی
آمده است:

"در جریان این جنگ، عملیاتی غیر انسانی، از جمله به شکل به کار بردن
سلاحهای شیمیایی، وارد ساختن ضربات به هدفهای غیر نظامی و نقاط مسکونی
که آماج نظامی ندارند، انجام می گیرد." در این بیانیه، پس از تأکید مبرم
بر ضرورت صلح بین دو کشور، تأکید گردیده است: "اتحاد شوروی آماده
است در هر گونه مساعی شرافتمندانه و سازنده، به منظور متوقف کردن جنگ
ایران و عراق، شرکت جوید."

خواب پرزد و کوتیار، دبیر کل سازمان ملل متحد، تداوم جنگ ایران
و عراق را محکوم کرد. پرزد و کوتیار ضمن انتشار بیانیه ای در روز شنبه هفته
گذشته از دو کشور ایران و عراق خواست که به این جنگ بی معنی خاتمه دهند.
در بیانیه دبیر کل سازمان ملل از جمهوری اسلامی بخاطر اصرار در تداوم
جنگ، صریحاً انتقاد گردیده است. دو کوتیار عراق را نیز به خاطر استفاده
از سلاحهای شیمیایی مورد انتقاد قرار داده است.

همبستگی جهانی با زندانیان سیاسی ایران

ایتالیا آمده است:
"پدنهال اخبار تکران کننده
مبنی بر تشدید شکنجه زندانیان سیاسی
در ایران، حمایت خود را از اعتصاب
غذای زندانیان سیاسی زندان اوین
اعلام می‌کنیم و آزادی فوری و
احترام به حقوق انسانی آنان را که
پایمال شده است، خواهیم."

* "هانس گونتر شرام" عضو
فراکسیون حزب سبزها در پارلمان
ایالتی بایرن-آلمان فدرال در پیامی
خطاب به فداییان خلق در آلمان
فدرال نوشت:

دوستان گرامی!
با کمال تأسف گزارش شما در
باره رویدادهای زندانیان سیاسی اوین و
قزل حصار و در باره شدت گرفتن
بیتربودن و بی‌رحمانه‌ای را خواندم.
من ... در دفاع از حقوق
زندانیان سیاسی و مقاوم ایران، نامه
پشتیبانی خود از آنها را به سفارت
کشورتان فرستادم.

بازرودهای صلح و همبستگی

هانس گونتر شرام در این نامه
اعتراضی خواهان آزادی اسیران
شکنجه‌گاههای اوین و قزل حصار شده
است.

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی
زندان اوین که در جهان بازتاب
وسیع یافت، موجی از همبستگی
نیروهای پیشرو و دمکرات کشورهای
مختلف با این آزادگان اسیر در
زندان‌های رژیم پلید خمینی را
برانگیخت. در زیر توجه خوانندگان
را به چند خبر در این زمینه جلب
می‌کنیم:

* بریتل موبرنیک، مسئول گروه
پارلمانی حزب کمونیست های چپ
سوئد در تاریخ ۲۵ آذر ماه طی
تلفظی خطاب به خمینی نوشت:
"با کمال تأسف و تکرانی از
وضع زندانیان سیاسی در زندان اوین
و اینکه خانواده‌هایشان اجازه
ملاقات با آنها را ندارند، مطلع
شدیم.
این اعمال غیر قابل قبول است.
ما خواستار آن هستیم که: زندانیان
سیاسی آزاد شوند. تا وقتی که این امر
متحقق نشده است خواستار آنیم که
حقوق بشر و آزادی‌های فردی تأمین
شود."

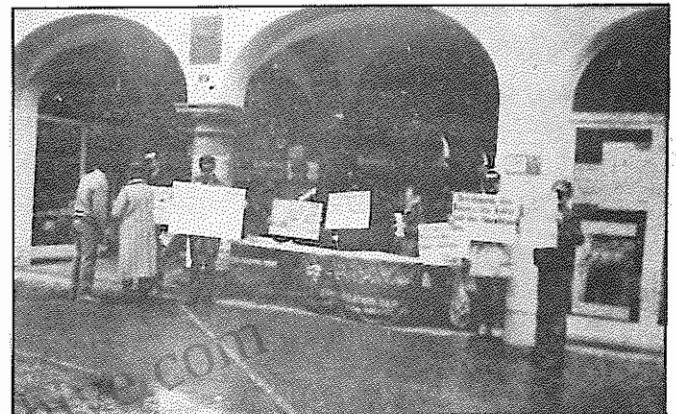
* از سوی حزب کمونیست
ایتالیا و سندیکای کارگری در
منطقه بازیل کلاسه، تلفظی‌های
مشابه‌ای به سفارت ایران در رم
مخابره شد. در تلفظی حزب کمونیست

تظاهرات ایستاده در آلمان فدرال در حمایت از

زندانیان سیاسی ایران

زندانیان سیاسی میهنمان، به افشای
جنایات رژیم خمینی در شکنجه‌گاهها
پرداخته و رهگذران را در جریان
آخرین تحولات سیاسی ایران قرار
دادند.

این تظاهرات علیرغم سردی هوا
و ریزش برف با استقبال بسیاری از
مردم روبرو شد. آنها ضمن اعلام
پشتیبانی از خواستهای برحق
زندانیان سیاسی ایران، ددمنشی‌های
رژیم تبهکار خمینی را محکوم کردند.



اعتصاب غذای زندانیان قهرمان
شکنجه‌گاه اوین و در دست داشتن
پلاکاردهایی، حاوی شعارهایی چون:
"زندانی سیاسی آزاد باید گردد"،
"مرگ بر خمینی، زنده باد آزادی"
سیاست‌های جنایتکارانه رژیم خمینی
را محکوم کردند.

در روز ۲۹ آذر (۲۰ دسامبر) به
منظور حمایت از زندانیان سیاسی
ایران و جلب توجه افکار عمومی به
رفتار وحشیانه زندانبانان رژیم
جنایتکار جمهوری اسلامی با این
فرزندان دلیر خلق، تظاهرات
ایستاده‌ای با شرکت فداییان خلق و
عده‌ای از پناهندگان ایرانی ساکن شهر
فیلسبورگ واقع در ایالت بایرن
آلمان فدرال برگزار شد.
تظاهرکنندگان ضمن توزیع
اعلامیه‌هایی در باره اعتصاب اخیر

روز شنبه ۲۰ دسامبر، در شهر
زاربروک مرکز ایالت زارلند آلمان
فدرال تظاهرات ایستاده‌ای در دفاع
از زندانیان سیاسی ایران برگزار شد
که پنج ساعت بطول انجامید.
تظاهرکنندگان با پخش هزاران
نسخه اطلاعیه سازمان در مورد

اتریش: اعتصاب غذا در همبستگی با زندانیان سیاسی ایران

کذاشت، با حمایت همه جانبه
کمونیست‌ها و دیگر نیروهای مترقی
اتریش مواجه گردید.

حزب کمونیست اتریش با
اعزام رفیق "کارگر" عضو کمیته
مرکزی حزب کمونیست اتریش به محل
اعتصاب و ارسال پیام همبستگی که
توسط ایشان قرائت گردید، حمایت
کمونیست‌های این کشور را از
خواست‌های اعتصابیون اعلام داشت.

در این پیام رفتار ضد انسانی
عمال جمهوری اسلامی در زندانها
محکوم گردیده و برای مردم ایران در
مبارزه علیه رژیم مرتجع خمینی
آرزوی پیروزی شده است.

همچنین روزنامه فولکن اشتیمه
ارگان حزب کمونیست اتریش ضمن
چاپ عکسی از اعتصابیون، به درج
گزارشی در این باره پرداخت.

آزادزنانی که در زنجیرند و در برابر
شدیدترین شکنجه‌های دژخیمان
حکومت پلید خمینی از آرمانهای
شریف، انسانی و عدالت‌خواهانه خود
دفاع می‌کنند، بیان داشتند.

در محل اعتصاب که در آن
شعرهایی در پشتیبانی از زندانیان
سیاسی و محکومیت تبهکاریهای
ارتجاع حاکم به چشم می‌خورد،
بازدیدکنندگان با اعضای متنی در
همبستگی با فرزندان در بند خلق
ایران بر حمایت خویش از خواستهای
اعتصابیون تأکید ورزیدند.

این حرکت که نمونه دیگری از
حساسیت انقلابی مبارزین خارج
کشور را نسبت به رویدادهای جنبش
انقلابی مردم ایران و پیوند ژرف
اینان را با مبارزین داخل کشور که
در میان آتش و خون، درفش صلح و
آزادی را برپا می‌دارند، به نمایش

و ظایف ملی و انقلابی خویش،
همبستگی خود با فرزندان مبارز
خلق که در سیامچال‌های رژیم اسیرند را
به نمایش گذاشتند. آنها با دست زدن
به این حرکت، کوش خود را در جهت
جلب همبستگی بین‌المللی گسترده‌تر
با زندانیان سیاسی ایران و آشنا
ساختن مردم جهان با دستگیریهای
بلاوقفه و گسترده نیروهای مبارز، به
کار گرفتند. طی مدت اعتصاب صدها
نفر با مراجعه به اعتصاب کنندگان
نگرانی عمیق خود را درباره سرنوشت
دمها هزار رزمنده‌ای که در
سیامچال‌های رژیم خمینی خطر مرگ
جانشان را تهدید می‌کند، ابراز
نمودند.

بسیاری از ایرانیان مقیم وین
نیز ضمن ابراز همدردی با
خانواده‌های زندانیان سیاسی،
حمایت عمیق خود را از آزاد مردان و

در راستای گسترش کارزار
جهانی دفاع از زندانیان سیاسی ایران
و در اعتراض به تشدید پیگرد،
دستگیری، شکنجه و اعدام انقلابیون
میهنمان، روز ۲۲ دسامبر هواداران
سازمان فداییان خلق ایران
(اکثریت) و هواداران حزب توده
ایران در اتریش دست به اعتصاب غذا
زدند. پیش از این خبر اعتصاب غذای
زندانیان سیاسی ایران و خبر
برگزاری اعتصاب در وین در همبستگی
با زندانیان سیاسی طی اطلاعیه‌هایی
به زبان‌های فارسی و آلمانی به اطلاع
مردم اتریش و ایرانیان مقیم این
کشور رسانده شد.

محل برگزاری این اعتصاب،
خیابانی در مرکز شهر وین بود.
اعتصاب کنندگان با دست زدن به
این حرکت موثر در جهت انجام

فرانسه: این است قدرت کارگران!

بقیه از صفحه آخر

سیاست به خود گیهای مالیاتی دولت شیراک در قبال ثروتمندان و صاحبان صنایع و تقابل آن با ضرورت افزایش حقوق و دستمزد زحمتکشان بود. دولت شیراک بیش از پیش به کاربرد قهر علیه اعتصابیون متوسل می گردد. چهارشنبه گذشته ۴ هزار تن دیگر از افراد پلیس برای مقابله با اقدامات اعتراضی کارگران راه آهن به حال آماده باش درآمدند. سه شنبه هفته گذشته کارکنان پست و کشتی سازی های نیروی دریایی فرانسه و در مقام محدودتری کارگران اتومبیل سازی رنو نیز به دعوت ت. ژ. ت. دست به اعتصاب زدند. فراخوان ت. ژ. ت. برای تظاهرات در پاریس با استقبال

نزدیک به ۴۰ هزار تن از کارکنان بخش دولتی روبرو گردید. نتیجه اعتصاب کارگران فرانسه هر چه که باشد، این موج اعتصاب بی تردید چهره سیاسی فرانسه را تغییر داده است. طبقه کارگر با این اقدامات خود نشان داد ادعاهای تئوریسین ها و ایدئولوگ های بورژوازی مبنی بر "زوال قدرت پرولتاریا" تا چه حد پوچ و بی پایه است. کارگران فرانسه نشان داده اند هر وقت اراده کنند، می توانند همه چرخه را از حرکت باز دارند. چرخ های ارابه "فرم" های شیراک به سود سرمایه و انحصارات نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست. دولت شیراک ۱۰ ماه پیش با برنامه ای عریض و طویل برای خصوصی کردن



سید کارگر راه آهن با کار گذاشتن یک خط آهن، یکی از خیابانهای اصلی ماری را برای چند ساعت مسدود کردند.

کشتی بسر برند تا دولت نروژ وضعیتشان را روشن کند. آنها از بیکاری مطلق رنج می برند. در کشتی هیچگونه آرامشی وجود ندارد. اتاق بعضی از پناهندگان در زیر دیسکو قرار دارد و از آنجا که سقف و دیوارها عایق کافی ندارند صدا در آنها می پیچد و پناهندگان ساکن در آنها بخاطر شدت سرما تا پاسی از شب قادر به خوابیدن نیستند. در همین قسمت جای تنگی نیز به یک خانواده همراه با فرزند خردسالشان داده شده است.

وضع بهداشت و سلامت پناهندگان نیز تعریفی ندارد. از آنها هیچگونه مراقبت جدی پزشکی بعمل نمی آید. یک دختر ۱۸ ساله ایرانی می گفت: بیماری کلیری دارم، بیماری مزمنی که در ایران هم داشتم و اکنون از درد شدید رنج می برم، یک بار یک دکتر نروژی برای معاینه ام به کشتی آمد و چند قرص بمن داد و رفت. اما در وضعیتم تغییری حاصل نشده است و قادر نیستم معالجه ام را دنبال کنم.

۱۰۷۱۸ تن ایرانی بوده اند. مجموع تعداد پناهندگان به آلمان فدرال در سال گذشته اندکی کمتر از ۱۰۰ هزار نفر بود. در حال حاضر حدود ۷۵۰۰ متقاضی پناهندگی در برلن غربی به سر می برند که تقاضای آنها هنوز مورد رسیدگی قرار نگرفته است و پیاده شده است. از این شمار، ۵۵۲۹ نفر افراد بالغ و ۱۷۰۶ تن کودکان و نوجوانان کمتر از ۱۶ سال هستند.

* روزنامه Priheten ارکان حزب کمونیست نروژ طی گزارشی در باره گروهی از پناهندگان که دربندر درامن در نزدیکی اسلو پایتخت نروژ بسر می برند، نوشته است پناهندگان در یک کشتی نروژی بنام ANSVET اسکان داده شده اند. آنها از شیلی، فلسطین... عراق، ترکیه و ایران آمده اند، اکثرا ایرانی هستند. برای هر یک از آنها مقرر مریج جهت زندگی در نظر گرفته شده است. پناهندگان مجبورند از دو هفته تا ده ماه در این

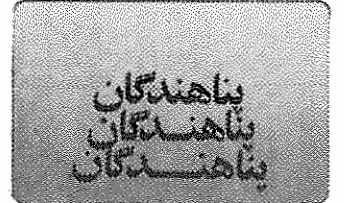
از جمله مشکلات دیگر پناهندگان ند داشتن لباس کافی در این فصل سرما است. غیر از تعدادی لباس که از سوی صلیب سرخ بین کودکان هایم توزیع شده است، به بقیه ساکنین هایم علیرغم شدت سرما و اعتراضات هنوز لباس گرم نداده اند.

پولی که به خانواده ها جهت مایحتاج روزمره داده می شود، ۶۴ مارک در ماه است که آنهم صرف جبران کمبود غذای بچه ها می شود....

* امیر مکاری جوان ایرانی که با سوار شدن مخفیانه در کشتی "ایران جهاد" به بندر جنوا در ایتالیا آمده و در صدد بود که پناهنده شود، توسط پلیس این کشور به ایران بازگردانده شد. اکنون نگرانی شدیدی نسبت به سرنوشت این جوان وجود دارد.

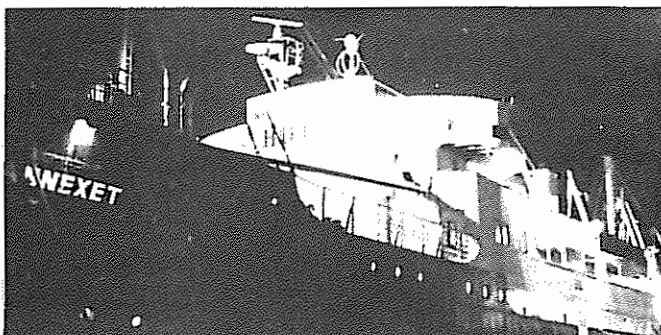
باز پس فرستادن این جوان ۲۲ ساله به ایران که بنا به درخواست حکومت خمینی و بدنبال بندوبست میان دولتهای دو کشور انجام گرفته اعتراضات وسیعی را از سوی عناصر و شخصیت های مترقی ایرانی و ایتالیایی برانگیخته است. از جمله رضا اولیا مجسمه ساز ایرانی مقیم این کشور در اعتراض به این اقدام دولت ایتالیا و بمنظور حقان جان امیر مکاری دست به اعتصاب غذا زده است.

* مقامات برلن غربی اعلام کردند در سال ۱۹۸۶، ۲۲۵۶۷ شهروند خارجی در این شهر تقاضای پناهندگی سیاسی کرده اند که از این تعداد،



* یک پناهنده ایرانی ساکن در یکی از خوابگاههای پناهندگان شهر آکسبورگ در بایرن آلمان فدرال می نویسد: وضع رقت بار هایم ما از حد گذشته است. این هایم مخصوص خانواده هاست. به پناهندگان این هایم در هفته یکبار سهمیه غذای هفتگی شان را می دهند و آنها مجبورند طی هفته با همان بسازند، که مقدار آن به هیچ رو مواد لازم برای بدن یک انسان را تامین نمی کند. بعلاوه بخشی از آن تا آخر هفته خراب می شود. مثلا برای یک هفته به هر فرد چهار قطعه نان می دهند که دو قطعه آن در پایان هفته قابل خوردن نیست. این امر بارها اعتراض پناهندگان را برانگیخته است. به کودکان شیرخوار هم غذای مخصوص آنها را نمی دهند. بسیاری از خانواده ها از کمبود جا رنج می برند مثلا دو خانواده ۹ نفره و ۶ نفره در هایم زندگی می کنند که به هر کدام از آنها تنها یک اتاق اختصاص داده شده است.

مسئولین هایم به بهداشت هایم نیز توجه ندارند. بهداشت هایم جدا اسفناک است. هر هفته دو نفر از ساکنین هایم (که ایرانی، پاکستانی و هندی هستند) مولف به تمیز کردن آن می شوند.



کشتی نروژی محل سکونت پناهندگان

به مناسبت ۱۷ دی، روز ورزش

رویدادهای ورزش کشور در یک نگاه

بقیه از صفحه آخر

مطابق بهشتنامه ۳۰۰۰ نخست وزیری، محرومیت زنان از ورزش، اختصاص امکانات مادی و فنی و انسانی ورزش کشور به سپاه، بسیج و جبهه، محرومیت تیم ملی فوتبال ایران از راهپایی به دور دوم بازیهای مقدماتی جام جهانی مکزیک و همینطور محرومیت قهرمانان تیم ملی کشتی و وزنه برداری و برخی از داوران آنها از شرکت در مسابقات بین المللی بخشی از مجموعه سیاستهای ارتجاعی رژیم است که به "بحران ورزش" مآدام زده است. رژیم عدا نابودی ورزش را دنبال می کند و صریحا می گوید: "اگر روزی مصالح انقلاب (بخوان رژیم فقها) اقتضا کند که ماکل ورزش را تسلیم کنیم این کار را خواهیم کرد".

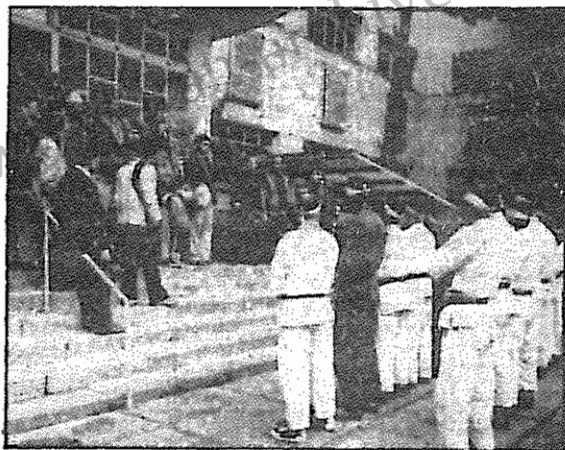
نگاهی به عملکرد و سیاست رژیم خمینی در برخی عرصه های ورزش کشور نشان می دهد که "این کار را" می کنند.

جنگ ورزش

دولت برای آنکه بتواند ورزش را نیز مستقیما به خدمت جنگ بکشد، مهرماه سال گذشته دستور تشکیل "ستاد امور جدی سازمان تربیت بدنی" را صادر کرد. نماینده سپاه که سرپرستی "ستاد" را عهده دار است طی نشستی با نمایندگان "صدا و سیما"، "تربیت بدنی"، "آموزش و پرورش" و سایر اعضای "ستاد" مقرر کرد "ستاد" نیروی انسانی سازمان تربیت بدنی و امکانات مالی و ورزشی فدراسیونها را در تهران و شهرستانها جمع آوری کرده و به جبهه ارسال کند. در مورد یکی از جلسات "ستاد" کیهان ۴ آذر سال ۶۴، به نقل از مسئول سازمان تربیت بدنی نوشت: "در این جلسه برگزاری مسابقات ورزشی و اختصاص عواید حاصله از فروش بلیط این مسابقات به جبهه ها، جذب کمک ها و اعزام ورزشکاران و کارکنان تربیت بدنی و ارائه خدمات آموزشی فدراسیونها به رزمندگان اسلام مورد بحث و بررسی قرار گرفت". در پی تصمیمات این "ستاد" گروه، گروه ورزشکاران و مربیان ورزشی به اجبار و با ترغیب به جبهه های جنگ اعزام شدند. به دستور تربیت بدنی مربیان آموزشی فدراسیونهای ورزشی موظف به آماده سازی "برادران بسیجی و

فوتبال"، "هزینه های برگزاری مسابقات" و... به طور مستقیم و غیر مستقیم به حساب جبهه اختصاص داده شده است. از طرف دیگر خود دولت نیز طی سال گذشته بودجه فدراسیونهای ورزشی را که رقم فوق العاده ناچیزی است به یک چهارم تقلیل داد. رئیس فدراسیون کشتی در گفتگویی اعلام کرد بودجه این فدراسیون از مبلغ ۵ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان در سال ۶۲، به ۱/۵ میلیون تومان در سال ۶۴ کاهش یافت. یعنی بطور سرانه کمتر از ۴ ریال.

برگزاری مسابقات دو جانبه، منطقه ای و چند جانبه تحت نام "قدس" و "هفته جنگ" برنامه های دیگر برای اخذی است. ورزشکاران برای مخالفت با این اقدامات در مهر ماه با عدم حضور در مسابقات "هفته جنگ" آن را در نیمه راه به تعلیلی



تصویری از اعزام ۲۶ تن از "کاراته کا" ها به جبهه

کشاندند و مطبوعات رژیم به این ورزشکاران اعتراض کردند که نام مقدس مسابقه را شکستند! اخیر نیز به بهانه سیل یک دوره مسابقه به راه انداخته اند. معلوم است که عواید این مسابقات نیز به در اختیار سیل زدگان که در خدمت جنگ قرار خواهند گرفت.

نحوه اعزام تیم های ورزشی

به سفرهای خارجی

بر اعزام تیم های ورزشی هیاتی بنام "شورای تساهای برون مرزی" نظارت می کند. در این هیات

در سواحل رودخانه یاری دهد. سایر فدراسیونها از جمله تیراندازی، قایقرانی، موتورسواری، دو میدانی... نیز به همین شکل به خدمت گرفته شده اند.

برای تامین عواید و جذب کمک نیز اقدامات دیگری صورت گرفته است. با همین هدف در تاریخ ۲۰ اردیبهشت آیین نامه مسابقات جام حذفی باشکاهها و "لیگ سراسری قدس" تنظیم و انتشار یافت. براساس مفاد این آیین نامه ۹۰ درصد از عواید درآمد حاصل از مسابقات تحت عناوین "واریز به حساب جبهه های جنگ"، "واریز به حساب خزانه داری کل"، "فدراسیون

نمایندگان کمیته ملی المپیک، نخست وزیری، سازمان تربیت بدنی، سازمان اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی (حراست)، وزارت امور خارجه و... شرکت دارند. قبل از ممنوعیت سفر تیم ها به خارج از کشور، لیست اعضای اعزامی هر تیمی که قصد خروج از کشور را داشت به این هیات داده می شد تا هیات پس از تحقیق نظر خود را در مورد صلاحیت سیاسی و "تعهد مکتبی" ورزشکاران جهت تصمیم به سرپرست سازمان تربیت بدنی ابلاغ کند.

مراد علی شیرانی مربی سابق تیم ملی کشتی در ۱۸ مرداد ماه طی مصاحبه با دنیای ورزش فاش ساخت که علاوه بر بررسی و تحقیق شورا هر فدراسیون نیز برای خود مقررات جداگانه ای برای اعزام دارد. وی در این مصاحبه در مورد اعزام تیم ملی جوانان به آلمان می گوید: "خود فدراسیون کشتی هم برای اینکه محکم کاری کرده باشد از کلیه افراد تیم ملی جوانان مبلغ ۵ میلیون ریال سند محضری برای تضمین گرفت". علاوه بر این وزارت امور خارجه و سازمان تربیت بدنی به هنگام تهیه "ویزا" برای اعضای تیم تلاش می کنند در صورت مقدور بودن به جای تهیه گذرنامه های مستقل برای ورزشکاران، گذرنامه دسته جمعی بگیرند تا ورزشکاران اعزامی قادر به جدا شدن از تیم نباشند.

نامور بودن این غل و زنجیرها برای جلوگیری از پنهانده شدن ورزشکاران در خارج رژیم را و داشت که سفرهای برون مرزی را لغو سازد. در تاریخ ۹ مرداد ماه فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی اعلام کرد "به علت وجود مشمولین خدمت و وظیفه در اکثر تیم ها و عدم قبول مسئولیت از سوی اداره حراست، اعزام تیم های ملی نوجوانان و جوانان به خارج از کشور منتفی اعلام می شود". پس از آن در ۱۲ مهر ماه کمیته برون مرزی سازمان تربیت بدنی سفر تیم ملی والیبال جوانان ایران به تایلند را لغو کرد. در پی اینها سفر تیم ملی کشتی به بوداپست در ۲۲ مهرماه و تیم فوتبال ناشنوايان در ۲۷ مهرماه به ژاپن لغو گردید.

در تاریخ ۳۰ مهر ماه رژیم تصمیم گرفت به طور کلی به سفرهای خارجی تیم های ورزشی خاتمه دهد. احمد درگاهی سرپرست سازمان تربیت بدنی در گفتگو به کیهان اعلام کرد تا اطلاع ثانوی "تیم های ورزشی ایران به مسابقات خارجی اعزام نخواهند شد".

مبارزه علیه برنامه های رژیم

مبارزه ورزشکاران علیه تحمیل معیارهای ارتجاعی رژیم، نظامی کردن ورزش و فضای خفقان بار محیطهای ورزشی، فدراسیون ها و باشگاه ها از همان ابتدا به طور فعال جریان داشته است. تاکنون بسیاری از طرح های ضد مردمی و ضد ورزشی به سبب مقاومت ورزشکاران و ورزش دوستان با شکست مواجه شده اند. "طرح ۲۷ ساله"، "طرح ۱۲ ساله" و "طرح منطقه ای" نمونه ای از آنهاست. مبتکر این طرح ها "شاه حسینی" اولین سرپرست سازمان تربیت بدنی بود. طبق این طرح ها بنابود عضویت افرادی که بیش از ۲۷ سال دارند در تیم های ملی کشور لغو شود و طبق "طرح ۱۲ ساله" شرکت دختران بالای ۱۲ سال در مسابقات ورزشی می بایست ممنوع گردد. "طرح منطقه ای" نیز نه بر گسترش ورزش بلکه بر تعطیلی باشگاه ها تاکید داشت. برای "شرعی و علمی" نشان دادن این طرح ها آیات و احادیث نیز به خدمت گرفته شده بود. برای به اجرا درآوردن طرح های مذبذب و وسیع تبلیغاتی براه انداختند. با مبارزه پیگیر ورزشکاران جلوی اجرای این طرح ها گرفته شد و همین مبارزه به عزل شاه حسینی منجر شد.

به جای شاه حسینی، مصطفی داوودی را گماردند. اورسالت هر چه اسلامی تر کردن ورزش و ورزشگاه ها را به عهده گرفته بود. داوودی از "سپاه" به سازمان تربیت بدنی راه یافته بود و قصد داشت با ضمیمه کردن این سازمان به سپاه پاسداران رسالت خود را انجام دهد. به خواست دولت و به دستور داوودی در اکثر شهرها امکانات فدراسیون ها را در اختیار بسیج و سپاه گذاشتند و اردوهای بسیج را به سالن های ورزشی منتقل کردند. ابتدا محدود سالن های ورزشی زنان و سپس محل ورزش مردان اشغال گردید. طرح لباس ورزشی اسلامی مردانه و زنانه نیز از ابتکارات حاج آقا مصطفی داوودی بود. اعتراضات گسترده و ایستادگی جامعه ورزش طرح های او را نیز به شکست کشاند.

بدنبال این شکست، موسوی نخست وزیر داوودی شسی یکی از مقربان خود را به سمت سرپرستی تربیت بدنی گمارد. داوودی دوم در همان ابتدا طی مصاحبه ای با مجله دنیای ورزش، تهدید کرد ورزشکاران و تیم های "خاطی" در صورت ادامه مخالفت به دست دستگاه قضایی سپرده

خواهند شد. او نیز با ورزش زنان سر عناد داشت. می گفت زنان را به میادین ورزشی راه می دهیم نه برای ورزش بلکه فقط برای تماشا. داوودی شسی با طرح تقسیم مسابقات فوتبال باشگاه های دسته اول، تدوین آیین نامه های دست و پا گیر، مصادره اموال و امکانات باشگاه های استقلال و پرسپولیس به نفع "بنیاد" و انتصاب سرپرست بر آن و دخالت در برنامه های باشگاه ها در پی از رونق انداختن فوتبال و انحلال باشگاه های مهم ورزشی بود. به دستور وی چندین ماه از برگزاری مسابقات جلوگیری کردند و وقتی بر اثر فشار مردم و ورزش دوستان ناچار به راه اندازی مسابقات شدند به بهانه های واهی از پیروزی تیم های پیرفرقدار عدا جلوگیری کردند. این اقدامات خشم و نفرت مردم را برانگیخت. خشمی افزون بر ناراضی های عمومی آنان از رژیم که با هر زمینه مهیایی بروز می کند.

در زمان داوودی شسی ورزشگاه امجدیه دوبار (۱۷ مهر و ۲ آذر ۶۲) شاهد تظاهرات عظیم دهها هزار نفری بود. در جریان تظاهرات، مردم با شعار "مرک بر خمینی" و سایر شعارها رابه نشانه ابراز انزجار علیه رژیم به آتش کشیدند. در بهمن ماه سال ۶۴ نیز بار دیگر شعله های خشم مردم در ورزشگاه اموا برافروخته شد. در همین ماه در تهران هزاران جوانی که در یک مسابقه دو به مناسبت "دوم فجر" شرکت کرده بودند، در خیابانهای بولوار کشاورز و کریم خان زند دست به تظاهرات زدند. تظاهرات ورزشکاران جوان علیه رژیم، بازتاب فوق العاده ای در سطح کشوریافت.

بحران ورزش، بحران درون دستگاه رهبری سازمان های ورزشی را تشدید کرد. داوودی شسی نیز برکنار شد و به جای وی درگاهی آمد. او نیز طبعاً همان راه و روش پیشین را دنبال کرد. تفرقه انداخت، تهدید کرد، دست به عوامفریبی زد. اما او نیز به جایی نبرده و نخواهد برد. حوادث یکسال گداشته نشان داد که چیرگی با کیست. جدایی چند ورزشکار از تیم ملی اعزامی به آلمان فدرال برای او یک شکست بود. موسوی نخست وزیر، ۱۸ روز پیش از شروع بازی های آسیایی برای جلوگیری از تکرار این حادثه طی بخشنامه ای که در کیهان ۹ شهریور ماه به چاپ رسید، دستور داد "به هیچ وجه افراد کم تعهد - هر چند که از نظر فنی خوب هم باشند - به مسابقات اعزام نشوند." با همه این

تهدیدات و سخت گیری های شورای تماسهای برون مرزی ۴ نفر نیز در سئول از تیم های اعزامی جدا شدند. دیگر ورزشکاران پس از بازگشت به میهن اعتراض خود را علیه سازمان تربیت بدنی پی گرفتند. ۱۴ تن از آنان در یک حرکت اعتراضی جمعی اعلام داشتند که از عضویت در تیم ملی استعفا می دهند. این حرکت اعتراضی نیرومند تاثیر قابل توجه ای در جلب افکار عمومی به بحران عمیقی که ورزش کشور را فرا گرفته است، برجای نهاد.

در تاریخ ۱۸ مهر ۶۵ به دنبال مسابقه تیم پرسپولیس و ملوان تظاهرات وسیعی صورت گرفت. این تظاهرات نیز بر زمینه نفرت عمومی مردم از رژیم و ناراضی های شدید ورزشکاران و ورزش دوستان در پی بروز مسائل ورزشکاران در جریان بازیهای آسیایی رخ داد. در این تظاهرات شعار مردم مستقیماً علیه رژیم بود. این تظاهرات نشان داد که مجامع و میادین ورزشی همچنان برای رژیم ناامن است.

رژیم برای مرعوب ساختن ورزشکاران و فرونشاندن اعتراضات آنان ۱۴ ورزشکار مستعفی را از بازیها محروم کرده اعلام نمونکه اسناد محرمانه پرونده این بازیکنان بررسی خواهد شد. در اعتراض به این تصمیمات، باشگاه های پرسپولیس و استقلال اعلام کردند در بازیهای باشگاهی شرکت نخواهند کرد.

مبارزه علیه رژیم خمینی در میادین ورزشی گسترش می یابد و رژیم برای غلبه بر مقاومت ورزشکاران به هر وسیله ای دست می یازد اما جز شکست نصیبی نمی برد. مبارزه در میادین و مجامع ورزشی ژرف تر و پرنمودتر از پیش پی گرفته می شود. در پیام کمیته مرکزی سازمان جوانان پیشگام ایران به مناسبت ۱۷ دی در بیان این حقیقت گفته شده است:

"مقاومت و مبارزه مردم علیه رژیم چنانیکار خمینی هر دم گسترش می یابد. محیطهای ورزشی و ورزشگاه ها به مراکز اعتراض جوانان علیه رژیم بدل شده است. اعتراضات متعدد ورزشکاران پس از شکست سئول و تظاهرات شجاعانه ورزشگاه آزادی یکبار دیگر نشان داد که رژیم نمی تواند خشم و اعتراض مردم ایران را مهار کند. شما ورزشکاران در این مبارزه می توانید نقش بزرگی برعهده داشته باشید. هر حرکت اعتراضی شما شما علیه رژیم، در سطح جامعه بازتاب می یابد و از حمایت بی دریغ جوانان برخوردار می شود." ●

جنگ تمام عیار

بقیه از صفحه ۹

آن شهر و حمله هوایی با موشکی جمهوری اسلامی به بغداد و بصره و سلیمانیه و دیگر شهرهای عراق. تبلیغات جنگی متناسب با فضای یک جنگ تمام عیار شدت فوق العاده ای یافت. تاکید بر روی "حمله نهایی" به پای ثابت همه اظهارات مقامات رژیم بدل شد و مباردت به آن، موکول به هنگامی شد که "جبهه ها کاملاً بر شود." تا بهار و تابستان، شهریور ماه را به عنوان مقطعی که جبهه ها کاملاً منتهی می شود، در نظر گرفته بودند. پس از آن از زمان معینی نام نبردند، اما تاکید می کردند که سال ۶۵، سال سرنوشت است. اکنون که سال ۶۵ نیز رو به اتمام می نهد، تاکید در این زمینه کمرنگ تر شده است، اما تبلیغ در زمینه "جنگ تمام عیار" و بسیج در راستای آن و دادن وعده حمله نهایی همچنان در جای خود باقی است. این تبلیغات در سه هفته اخیر شدت بیشتری یافته است.

اوج جنون

دو حمله کربلای ۴ و ۵ پس از ماه تبلیغ بر روی جنگ تمام عیار صورت گرفته است. این دو حمله به مرحله جدید جنگ تعلق دارند و از همیروست که با سه کربلای پیشین متفاوتند. تاکید بر روی این تمایز از آنرو اهمیت دارد که واقعیت بن بست جنگ در هنگام بررسی دو حمله تازه، با علم بر این که این دو حمله پس از ماهها بسیج تمام عیار و همه جانبه صورت گرفته است، از پیش روشن تر می شود.

کربلای ۴ حاصل ۹ ماه بسیج نیرو بود اما شمره ای همچون بدر داشت، کربلای ۵ از کربلای ۴ فراتر رفت، کربلای ۶ نیز چیزی جز کربلای ۵ نخواهد بود. نتیجه جنگ تمام عیار پیروزی های بیشتر نیست، کشتارهای بیشتر است. این مرحله شاخص اوج گیری جنون جنگ طلبی جمهوری اسلامی است. در این مرحله وحشی گری و جنون به نهایت می رسد. هر حمله دهها هزار کشته به جا می نهد. آیا ۲۵۰۰۰ کشته و زخمی در طی یک حمله کافی است؟ منطق جنگ تمام عیار می گوید: نه! بیشتر، بیشتر، بیشتر! آیا این پرده آخر است؟ آری، مگر این که مرحله جنگ تمام عیارتری را نیز در پی داشته باشیم. اما جنگ تمام عیار از آتش تمام عیار است که اوج مطلق جنون است و در آنجایی که از مطلق سخن می رود، تفصیل جایز نیست ●

در مرکز تضادهای ژرف

یادداشت‌هایی درباره اقتصاد ایالات متحده آمریکا

مقاله‌ای از پرونده ۱ - نهم سپتامبر ۱۹۸۶ نوشته
پروفسور و رسالوف، دکتر علوم اقتصادی

اخبار اقتصادی ایالات متحده آمریکا در این روزها ابرهای مترکم هولناکی را بخاطر می‌آورد. نمودارها و آمارهای ناخوشایند هر چه بیشتر بورس سرمایه‌ای را دچار نوسان می‌کند. آهنگ رشد اقتصادی در مقیاس کشور در سه ماهه دوم در محاسبه سالانه یکی از ناخوشایندترین آهنگ‌های رشد در طی سه سال گذشته بود و ۰/۶ درصد را تشکیل می‌داد. در آغاز سه ماهه سوم نیز در ژوئیه میزان سفرهای انحصارات آمریکایی ۲/۲ درصد افزایش یافت که رشد سفرهای نظامی حدود ۴۵ درصد بود. در حالیکه رشته‌های غیرنظامی تنها ۰/۵ درصد رشد کرد.

پدیده‌های امروزی رکود در اقتصاد ملی ایالات متحده آمریکا به هیچ وجه تصادفی نیست. این پدیده‌ها ریشه‌های عمیقی در رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی پیشین کشور دارند.

همانطور که در متن جدید برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی خاطرنشان گردیده است، مناقشه بین نیروهای مولده‌ای که رشد عظیمی کرده‌اند و مناسبات تولیدی سرمایه‌داری هر چه شدیدتر می‌شود. "بی‌ثباتی درونی اقتصاد که، در کاهش آهنگ کلی رشد آن و در درهم آمیختگی و تمیق بحران‌های ادواری و ساختاری تجسم می‌یابد، تشدید می‌شود". این روند‌ها برای اقتصاد آمریکا، که اینک بیش از یک سوم مجموع کالاها و خدمات تمامی کشورهای سرمایه‌داری در آنجا تولید می‌شود، روندهایی متداولند.

تصویر نهایی سالهای ۸۰ هنوز بطور کامل پدید نیامده است. بخصوص در شش سال اول دهه جاری که، پهنال آن با دوره زمامداری هیات حاکمه کنونی ایالات متحده آمریکا مصادف بود، گرایش به کاهش رشد شاخص‌های اساسی اقتصادی این کشور، دقیقاً آشکار گردید. آمارهای آخرین "گزارش رئیس جمهور به کنگره ایالات متحده آمریکا" گواه این امر است. از جدول پیداست که، آهنگ رشد تولید ناخالص ملی کشور در سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۸۰ یک سوم کمتر از شش سال قبل و در مقایسه با سال‌های ۱۹۷۲-۱۹۶۰ بیش از دو بار کمتر است.

آهنگ متوسط رشد سالانه اقتصاد ایالات متحده آمریکا (درصد)

تولید ناخالص ملی	صنایع	عرصه خدمات
۱/۸	۲/۶	۴/۰
۲/۰	۲/۷	۵/۱
۱/۸	۳/۳	۴/۴

مسئله در پس مقادیر نهایی تولید ناخالص ملی، نابرابری‌های عظیم و همچنان فزاینده رشد و تکامل عرصه‌ها و رشته‌های جداگانه‌ای که ساختار آنها در سال‌های اخیر حاوی تغییرات چشمگیری بوده است، پوشانده می‌شود. اما حتی با در نظر گرفتن این امر می‌توان درباره وخیم شدن روزافزون شرایط بازتولید گسترده در مقیاس تمامی اقتصاد ایالات متحده آمریکایی گفت.

ایالات متحده آمریکا در این باره که، "لکوموتیو" مسابقه تسلیحاتی محرکی برای تمامی اقتصاد آمریکا می‌باشد، مسلم شده است. میلیتاریسم لجام گسیخته سرانجام درست به نتایج عکس منجر می‌شود. طبق آمارهای رسمی که اخیراً به چاپ رسیده‌اند، میزان کمی تولیدات کل صنعتی کشور در اواسط سال ۱۹۸۶ پایین‌تر از سطح مربوطه اواسط سال قبل بود. تصادفی نیست که ارگان‌های برجسته محافل بازرگانی ایالات متحده آمریکا با نگرانی فزاینده‌ای مذكر می‌شوند که عتربک فشار سنج اقتصادی کشور تسایل از رونق به افت رونق را آغاز می‌کند.

بنابر این، دولت ر. ریکان ورشکستگی تلاش‌هایش برای "مبارزیدن" جریان عینی حرکت ادواری اقتصاد سرمایه‌داری با شیوه‌های تنظیم دولتی-انحصاری را نشان می‌دهد.

اوضاع بسیار بحرانی در سال‌های ۸۰ در کشاورزی کشور پدید آمد. مشاورین اقتصادی رئیس جمهور در اینجا مجبور شدند تأیید کنند که، فعالیت دولت "به انحراف اقتصادی اساسی" منجر گردیده و "عدم کارایی خود را نشان داده است". بدمی زمین‌داران ابعاد بی‌سابقه‌ای یافت.

"ریگانومیک" به کثرت چنین "رکودها"یی را به بار آورده است. رشد عظیم کسری بودجه فدرالی کشور نیز از آن جمله می‌باشد. تنها در مدت زمامداری دولت کنونی این کسری چندین بار افزایش یافته است. درست است که هیات حاکمه، بدفعات وعده داده است در آینده کسری بودجه را قدری کاهش دهد، اما عداوت از طریق کاهش دادن اعتبارات برای نیازهای اجتماعی مردم، هزینه‌های نظامی نیز پیش‌بینی و هر چه بیشتر افزایش داده می‌شود. بدین ترتیب، میلیتاریسم و مسابقه تسلیحاتی هنوز سنگین‌ترین بار را بر دوش اقتصاد ایالات متحده آمریکا قرار خواهند داد.

بدمی‌های دولتی به لحاظ کیفی به بالاترین سطح رسیده است. قرض دولت فدرال در سال ۱۹۸۶ رقم نجومی بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار-را تشکیل می‌دهد. جهت مقایسه یادآور می‌شویم که، در اولین سال‌های پس از جنگ این بدمی حدود ۲۵٪ تریلیون دلار بود. اکنون این بدمی بالغ بر نیمی از تولید ناخالص ملی کشور است.

هیات دولت بطور تبلیغاتی اطمینان می‌دهد، گویا سیاست آن رفاه "بدون استثناء" تمامی اهالی آمریکا را به همراه داشته است. اما آمارها بگونه دیگری سخن می‌گویند. تنها طی شش سال اخیر درآمد خاص صاحبان موسسات مالی ایالات متحده آمریکا تقریباً سه چهارم افزایش یافت، در حالیکه دستمزد واقعی هفتگی کارگران و کارمندان در همان سال‌ها در مقایسه با دهه‌های گذشته بطور متوسط ۷ درصد پایین آمد. در عین حال بیکاری ابعاد تهدید کننده‌ای می‌یابد. در سال‌های ۱۹۸۲-۱۹۸۳ تعداد بیکاران تمام وقت، تنها بنابه آمارهای رسمی، در تاریخ پس از جنگ کشور به بالاترین ارقام رسید که ۱۰/۷٪- ۱۰/۶ میلیون نفری ۱/۵ درصد تمامی نیروی کار کشور را تشکیل می‌داد. در حال حاضر تنها تعداد بیکاران تمام وقت تقریباً از یک و نیم برابر سطح متوسط سال‌های ۷۰ تجاوز کرده است.

سال‌های ۸۰ به لحاظ وخامت فوق‌العاده مایل اقتصادی خارجی ایالات متحده آمریکا متمایز می‌شوند. قابلیت رقابت کالاهای صادراتی آمریکایی بطرز بی‌سابقه‌ای تزلزل کرد. در عین حال تأثیر تشدید کننده "ریگانومیک" بر پدیده‌های بحرانی در اقتصاد معاصر جهانی سرمایه‌داری به سرعت افزایش می‌یابد. این امر بی‌ثباتی تمامی سیستم بهم پیوسته اقتصادی و ارزی-مالی غرب را تشدید می‌کند.

صنعت مثل سابق عرصه تعیین کننده و بطور ادواری ایجادگر باقی می‌ماند، عرصه‌ای که در آن بحران‌های ادواری اضافه تولید سرمایه‌داری بوجود می‌آیند و شکل می‌گیرند. در سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۸۰ در مقایسه با شش ساله قبل آهنگ رشد در صنایع تبدیلی تقریباً یک سوم و در صنایع استخراجی سه برابر کاهش یافت.

از آغاز دوره بعد از جنگ و در پایان دهه‌های گذشته ایالات متحده آمریکا با شش مورد افت اقتصادی روبرو بوده است. دو مورد از آنها در سال‌های ۷۰ روی داد. این بحران‌ها، به‌ویژه عمیق‌ترین آنها در دوره پس از جنگ، بحران سال‌های ۱۹۷۵-۱۹۷۴، اولین تأثیر را بر شکل‌گیری گرایش به کاهش آهنگ رشد کلی اقتصادی ایالات متحده آمریکا در این دوره داشت. در سال‌های ۸۰ این گرایش هر چه بیشتر تشدید گردید.

رهبران کنونی ایالات متحده آمریکا لاجوانه تلاش می‌کنند افسانه رونق دهنده بودن "ریگانومیک" را تثبیت کنند. اما در عمل به هیچ وجه چنین وضع مساعدی بوجود نیامد. آغاز دهه‌های جاری دوره بی‌ثباتی سختی بود. در طول سه سال اول آن تولید عمومی کشور در حالت رکود و افت بحرانی قرار داشت. به راستی، گویا سال ۱۹۸۱ تغییراتی بسوی بهبود را وعده می‌داد. در همان آغاز سال ۱۹۸۲ در گزارش اقتصادی نوپتی رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا به کنگره اعلام شده بود که، علل اساسی افت، که "سیاست اشتباه" دولت سابق موجب آن گردیده بود، با موفقیت رفع شده است. رشد ۲٪ در صد تولید ناخالص ملی برای آن سال پیش‌بینی شده بود. علیرغم این پیشگویی‌ها میزان واقعی تولید ناخالص ملی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۸۲، ۲/۵ درصد و در محاسبه سرانه تقریباً ۲/۵ درصد کاهش یافت. چنین تزلزلی در سطح سالانه تولید ناخالص در هیچ یک از بحران‌های پیشین پس از جنگ مشاهده نشده بود. سپس گرچه جنب و جوش معینی آغاز گردید، اما سهم سرانه تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۸۲ هنوز از قبل از سال بحرانی ۱۹۷۹ پایین‌تر بود. در نتیجه در طول چهار سال اقتصاد ایالات متحده آمریکا زیر فشار اوضاع بحرانی بسر می‌برد.

در اقتصاد سرمایه‌داری معمولاً بدنبال فاز بحران‌سی و بهبود دوره رونق ادواری فرا می‌رسد. چنین رونقی این بار نیز فرا رسید. سال ۱۹۸۴ حاوی رشد جهشی تولید در اکثر رشته‌ها بود. هیات حاکمه دوباره شروع به توصیف آینده امیدبخش "ریگانومیک" نمود.

اما رشد تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۸۵ به مراتب کمتر از سطح پیش‌بینی شده و تقریباً سه برابر پایین‌تر از سال ۱۹۸۴ بود. در نیمه اول سال جاری نیز رویدادها با همین ست‌گیری رشد و تکامل می‌یافت. آخرین رونق ادواری عملاً یکی از ناپایدارترین موارد در تاریخ پس از جنگ ایالات متحده آمریکا از آب درآمد. تأثیر گرایش دراز مدت کاهش آهنگ رشد قادر به ممانعت از صعود مستمر صنایع نظامی نگردید.

شکست محاسبات استراتژیک محافل حاکمه

دیدار شوارز ناظره از کابل

ادوارد شوارز ناظره وزیر امور خارجه اتحاد شوروی هفته گذشته از کابل دیدار کرد. در این دیدار که از دوشنبه پانزدهم تا چهارشنبه هفدهم دیماه به طول انجامید، آنتالوی دوبرینین دبیر کمیته مرکزی و رئیس شعبه روابط بین المللی حزب کمونیست شوروی شوارز ناظره را همراهی نمود. در پایان این دیدار، اتحاد شوروی و افغانستان از همه طرفهای درگیر در مسئله خواستند بطور جدی و واقع بینانه پیشنهاد کابل برای آتش بس در افغانستان را بررسی و از موقعیت برای حل سیاسی اختلافات استفاده کنند. در بیانیه مشترک شوروی و افغانستان آمده است: آلهایی که به این فراخوان پاسخ مثبت نمی دهند، مسئولیت ادامه خونریزی، مصائب مردم افغانستان و تشدید وخامت اوضاع بین المللی را بر عهده دارند.

وزیر خارجه شوروی در مصاحبه ای با خبرنگاری افغانی باختر گفت: میان مشی رهبری افغانستان دایر بر آشتی ملی و حل سیاسی مسئله، ارتباط بلاواسطه، مستقیم و تنگاتنگی وجود دارد و افزود: "سیاست آشتی ملی می تواند شرایط واقعی داخلی برای حل سیاسی اوضاع پیرامون افغانستان را فراهم کند. "شوارز ناظره خاطر نشان ساخت بازگانی میان دو کشور، به ویژه مبادلات تجاری مرزی، گسترش خواد یافت و همکاریهای دو کشور در جهت ایجاد اشتغال برای افغانیهای مهاجری که به کشور خود بازمی گردند، عمل خواهد کرد.

ادوارد شوارز ناظره طی دیدار از کابل اظهار داشت افغانستان وارد مرحله جدیدی از تحولات شده است و ابراز امیدواری کرد سال ۱۳۸۷ به سال آشتی ملی در این کشور تبدیل شود، سالی که برای افغانستان به مثابه کشوری مستقل و حاکم بر سرشود خود، با سیاست بیطرفی و عدم تعهد، با آغازی نو همراه باشد. وی افزود هم اکنون راه حل سیاسی مسئله نزدیکتر از همیشه است.

به گزارش مطبوعات غرب، سیاست آشتی ملی رهبری افغانستان باعث بروز اختلافاتی در صفوف گروههای اپوزیسیون افغانی شده است. علیرغم مخالفت برخی سرکردگان باندهای ضد انقلابی، شاری از شخصیت های اپوزیسیون تصمیم گرفته اند

در این میان ایالات متحده آمریکا ضمن حفظ کنترل بر بسیاری از مواضع اصلی اقتصاد معاصر جهان سرمایه داری، هنوز امکان واقعی دارد تا بخش قابل ملاحظه ای از بار مسایل بحرانی خود را بدوش رقبای اصلی خود یعنی کشورهای اروپای غربی و ژاپن و به خصوص بر دوش کشورهای در حال رشد بگذارد. اما این سیاست هر چه بیشتر با واکنش فعالانه کشورهای قربانی تجاوز ایالات متحده آمریکا مواجه می شود. در کل، تلاش ارتجاعی ترین و تجاویز کارترین محافل سرمایه انحصاری آمریکایی که راه خروج از مشکلات بطور سیل آسا فراینده را در تعرض بیشتر به سطح زندگی زحمتکشان، سابقه تسلیحاتی جنون آمیز و تبدیل ایالات متحده آمریکا به تکیه گاه اصلی نیروهای امپریالیسم می یابد، تنها این مشکلات را دشوارتر می سازد. در نتیجه، برای وی بحران سیستم سرمایه داری معاصر دولتی-انحصاری با تمام عواقب مولاناک اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن بیش از پیش تشدید می شود.

به فراخوان رهبری افغانستان پاسخ مثبت بدهند. نیروی هوایی پاکستان برای جلوگیری از سفر این شخصیت ها به کابل، مرزهای پاکستان و افغانستان را تحت مراقبت شدید گرفته است. محمد یوسف، عبدال حکیم طیبی و عبدالرحمن پژواک از شخصیت های اپوزیسیون، برای مذاکره با مقامات افغانستان از طریق هند عازم کابل شدند. مطبوعات غرب، علت بروز وقفه در این سفر را "اختلافات داخلی" گروه سه نفری نامبرده ذکر کرده اند. محمد نجیب دبیر کل کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان اعلام کرد دولت این کشور در حال حاضر با ۴۱۷ گروه مخالف که مجموعاً ۲۸ هزار عضو دارند، در مذاکره است.

دو حمله هوایی اسرائیل به لبنان

یکشنبه چهارم و پنجشنبه هشتم ژانویه، نیروی هوایی اسرائیل چندین دهکده را در جنوب لبنان بمباران کرد. در حمله ۱۰ هلی کوپتر اسرائیلی به ۶ دهکده در جنوب لبنان که روز چهارم ژانویه صورت گرفت، حداقل ۱۵ تن کشته شدند. حمله روز پنجشنبه نیز که به ادعای صهیونیستها علیه مواضع فلسطینیها

اخبار کوتاه

* نرخ دلار در بازارهای ارز جهانی همچنان رو به کاهش است. هفته گذشته ارزش دلار آمریکا از مرز ۱/۱ مارک آلمان قدرال پایین رفت.

* دولت ویتنام اعلام کرد در درگیریهای مرزی سه روزه ای که هفته گذشته میان این کشور و چین روی داد، نیروهای ویتنامی ۱۵۰۰ سرباز چینی را از پای در آورده اند. دولت چین وقوع این درگیریها را تایید کرده است.

مذاکرات دولت و انقلابیون در فیلیپین

است ادامه دارد، پایان دهد. جبهه دمکراتیک ملی پایان دادن به مبارزه مسلحانه را منوط به تحقق خواسته های اقتصادی و سیاسی مشخصی، از جمله اصلاحات ارضی گسترده و انحلال پایگاههای نظامی آمریکایی سازد. موافقتنامه آتش بس و سیاست آکینو مبنی بر مذاکره با جبهه دمکراتیک ملی، با مقاومت ژنرالهای ارتش و از جمله ایلنوز وزیر دفاع جدید فیلیپین روبرو شده است. آنها علیرغم ابراز وفاداری به دولت آکینو، علیه این سیاست موضع آشکار می گیرند.

نمایندگان دولت فیلیپین و جبهه دمکراتیک ملی سه شنبه گذشته در مانیل برای مذاکره پیرامون چارچوب گفتوهای آینده صلح در این کشور ملاقات کردند. از تاریخ دهم دسامبر گذشته آتش بسی که محدود به ۶۰ روز است، میان نیروهای دولتی و انقلابیون برقرار شده است. موافقتنامه آتش بس را دولت کورازون آکینو و جبهه دمکراتیک ملی به نمایندگی از سوی احزاب سازمانهای چپ از جمله ارتش نوین خلق، از سوی دیگر، امضا کردند. کورازون آکینو در صدد است ارتش نوین خلق را متقاعد سازد به مبارزه مسلحانه خود که ۱۷ سال



دیدار بسیار کوتاه . . . این رزمندگان فیلیپینی ارتش نوین خلق با استفاده از اولین روز آتش بس به دیدار خانواده اش که سالها ندیده بود شتافت. رامس رئیس ستاد ارتش فیلیپین حضور مبارزین کمونیست را با سلاح در مجامع عمومی مورد نکوهش قرار داد. وی تاکید کرده است که "آتش بس وسیله ای است از طرف کمونیستها جهت تصرف قدرت."

اتریش: اعتصاب غذا در همبستگی با زندانیان سیاسی ایران



در صفحه ۱۰

فرانسه: این است قدرت کارگران!

در این موقعیت، چاره را در این می‌بیند که تقصیر وخامت اوضاع را به گردن حزب کمونیست فرانسه و اتحادیه ت. ژ. ت. بیان دارد. حزب کمونیست فرانسه این مانور شیراک را محکوم کرده است. هفته گذشته هنگامی که سایر اتحادیه‌های کارگری فرانسه نیز که مواضع ناپیکرانه داشته‌اند، به اعتصاب پیوستند، انزوای شیراک افزایش یافت. علیرغم ادعای مطبوعات و رسانه‌های گروهی امپریالیستی که می‌گویند اقدامات شمار معدودی از فرانسوی‌ها در اعتراض به اعتصاب را برجسته سازند، نظرخواهی روزنامه اومانیت و حتی تحقیقات خبرگزاری آلمان فدرال حاکی است دامنه انتقاد از اعتصابیون بسیار محدود است و در عوض، مخالفت با شیراک طی هفته‌های اخیر نزدیک به ۱۰ درصد افزایش یافته است.

در تلووز در گردهمایی فعالین سندیکایی وابسته به جریان‌های سیاسی و اتحادیه‌های گوناگون کارگری ۸۰ درصد شرکت‌کنندگان رای به ادامه اعتصاب دادند. در پاریس ۷۰ درصد اعضای اتحادیه‌های کارگری موافق ادامه اعتصاب هستند.

اعتصاب کارگران فرانسه باعث شده است که دولت شیراک حتی از سوی میتران رئیس جمهور نیز مورد نکوهش قرار گیرد. وی طی سخنانی گفت: "از آنجا که به برخی گروه‌های امالی ۲۵ میلیارد فرانک داده شده است، هم اکنون دریافتن ۱۷ میلیارد فرانکی که برای پرداختن به کارکنان مزدبگیر بدان نیاز است، دشواری پیش آمده است." منظور میتران، بقیه در صفحه ۱۱

اعتصاب کارگران موسسات مختلف دولتی در فرانسه هفته گذشته گسترش یافت. کارگران اعتصابی راه آهن دولتی فرانسه همچنان از بازگشت به سرکار خود خودداری می‌کنند. کارکنان شرکت دولتی برق و گاز فرانسه نیز برای به کرسی نشاندن خواسته‌های خود مبنی بر افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار، دست به اعتصاب زدند و چندین بار جریان برق را در سراسر کشور قطع کردند. قطع برق در تولید بسیاری از کارخانجات اختلال ایجاد کرده است. کارگران بسیاری از بنادر نیز دست به اعتصاب زده‌اند. در بندر ماریس بر اثر اعتصاب کارگران، تخلیه نفت از کشتی‌ها متوقف شده و در نتیجه جریان نفت خام از این بندر به پالایشگاه‌های فرانسه، آلمان فدرال و سوئیس به زودی قطع خواهد شد. کارکنان متروی پاریس نیز در اعتصاب به سر می‌برند و تنها کمتر از نیمی از قطارهای مترو رفت و آمد می‌کنند.

طبقه کارگر فرانسه به رهبری اتحادیه نیرومند "کنفدراسیون عمومی کار" (ت. ژ. ت.) قدرت خود را به نمایش گذاشته است.

ژاک شیراک نخست وزیر محافظه کار فرانسه که تنها در ظرف ۱۰ ماه حکومت کابینه‌اش با دو جنبش گسترده و عظیم علیه سیاست‌های دولت خود مواجه شده است، در برابر جنبش دانشجویان ناچار به تسلیم شد و در مقابل موج اعتصاب کنونی نیز با دشواری‌های بزرگی دست و پنجه نرم می‌کند. حادثه اعتصاب در فرانسه از ۱۸ سال پیش بدین سو شیراک را شدیداً تحت فشار قرار داده است. وی

به مناسبت ۱۷ دی، روز ورزش

رویدادهای ورزش کشور در یک نگاه

بهین‌المللی در اثر سیاست‌های به‌غایت ارتجاعی و قرون وسطایی رژیم خمینی یک به یک محو و نابود شده‌اند. رژیم خمینی طی حکومت خود، در این عرصه نیز نه تنها آجری روی آجر نگذاشته بلکه هر خشتی را نیز سراع کرده فرو ریخته است. ۲۶ سال پیش تیم کشتی آزاد ایران در مسابقات جهانی که در "یوکوهاما" برگزار گردید با کسب ۵ مدال طلا، ۲ نقره و یک برنز به مقام قهرمانی جهان دست یافت. در این تیم که مرکب از ۸ نفر بود تختی نیز حضور داشت. چهار سال بعد بازم تیم ایران در منچستر انگلستان از مقام جهانی خود دفاع کرد. اما اکنون در رژیم جمهوری اسلامی، کشتی ایران نه تنها نمی‌تواند از عناوین جهانی خود دفاع کند، حتی مقام قهرمانی بازیهای آسیایی، مقامی که ۲۵ سال پیش بدست آورده بود را نیز از دست داده است. این نشانگر "بحران ورزش" و نقش مخرب سیاست‌های ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی است.

حذف معلم ورزش دبستانها بقیه در صفحه ۱۲

مقدم دی ماه روز ورزش و نوزدهمین سالروز شهادت جهان پهلوان تختی چهره نامدار ورزش ایران بدست دژخیمان ساواک شاه بود. تختی طی زندگی ورزشی خود به پیروزیهای چشمگیر بسیاری نایل شد اما آنچه نام او را بلند آوازه و خاطره‌اش را جاودانی کرد، صداقت و انساندوستی، تعهد و عشق او به مردم زحمتکش بود. تختی از میان زحمتکشان خانی آباد تهران برخاست، در میان آنان زندگی کرد، عشقتان را به دل گرفت و در راه بهروزی آنان جان باخت.

جامعه ورزشی ما با الهام از سرشت و خصایل انسانی چنین پهلوانی، تاکنون قهرمانان بسیاری را پرورش داده است. اکثر این قهرمانان از میان خانواده‌های زحمتکش برخاسته‌اند و با همت و رشادت خود در میدان مسابقات جهانی پیروزیهای بزرگی کسب کردند.

امروزه این دستاوردها هم در صحنه مسابقات داخلی و هم در میادین

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك (و یا معادل آن "کوپن بین‌المللی پستی") به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك نشریه "کار":	نشن ماهه
مارك ۱۳	مارك ۱۱	☐ يك ساله	
۲۴	۲۱		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك نشریه "اکثریت":	سه ماهه
مارك ۳۰	مارك ۲۷	☐ نشن ماهه	
۵۸	۵۲	☐ يك ساله	
۱۱۵	۱۰۲		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

حساب بانکی:

AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02810701-850
DR. GERTRAUD ARTNER

AKSARIYAT
NO. 140
MONDAY JAN. 12. 87
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY